

همه‌جمله

دوره جدید - شماره پنجاه و نهم
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵

قدم به دنیای آزادان

نگاهی به تاریخ
فرهیختگی‌ها، ایثارگری‌ها
و مشکلات محله آزادان

به همراه گفت‌وگوهایی با نخبگان، فعالان و ایثارگران محله

احمد نصر (عضو هیئت امنای مسجدالحسین (ع)

حسین پناهی (مدیر خانه فرهنگ آزادان و کانون خدمت
رضوی حب الائمة (ع)

محمد جواد نصر آزادانی (مربی فوتسال)

حاج ابوالقاسم نصر آزادانی (همسر، پدر، پدرشوهر و
پدر بزرگ شهیدان خانواده نصر آزادانی)

علی نجات‌بخش (مدرس و هنرمند عکاس محله آزادان)
مجتبی نصر (استاد دانشگاه اهل آزادان)،

گزارش ویژه از مسجد تاریخی «گنبد»



گزارش ویژه از بازارچه محلی آزادان



گفت‌وگو با محسن زمانی، مدیر منطقه ۹ درباره
اقدام‌های شهرداری در منطقه و مطالبات و
پیرسش‌های ساکنان آزادان و روند بازسازی

منازل آسیب‌دیده از جنگ رمضان ۱۴ و ۱۵



سارا حقیقتی

پیشه‌ای که هنوز نفس می‌کشد

روزگار دور «آزادان» به روایت آزادانی‌ها

آزادان، در غربی‌ترین بخش اصفهان، محله‌ای است که شهری بودن به معنای مدرن آن هنوز کاملاً بر آن غلبه نکرده و گذشته‌ها را می‌توان از میان کوچه‌هایش دید. خبری از ساختمان‌های بلند و مترکم با نورافشانی‌های چشمگیر و فروشگاه‌های چندمنظوره نیست. خیابان‌ها کم‌عرض‌اند و چراغ‌ها و خط‌کشی‌های راهنمایی و رانندگی در آن جایی ندارد. اینجا گویی مرزی است میان دو زمان زندگی؛ مرزی که در آن آداب، اقتصاد و حتی ریتم زندگی دگرگون شده؛ اما چشم‌اندازی به دورست‌ها دارد. برخی دیوارهای بلند کاهگلی، با ترک‌هایی که سال‌ها بر اثر گرما و سرما بر تنشان نشسته، روایتگر تاریخ‌اند. از پشت این دیوارها، شاخه‌های انواع درختان سر برآورده‌اند و سایه‌هایی خنک بر زمین می‌کشند و میوه‌هایشان را به رهگذران تعارف می‌کنند. در این محله بناهای تاریخی به ما می‌گویند به جایی قدم گذاشته‌اید که داستان‌های فراوانی برای گفتن دارد؛ اما بی‌توجهی‌ها، آن‌ها را به سکوت واداشته. در آزادان هر گذر، آینه‌ای است برای دیدن زندگی‌هایی که ساده‌تر و روشن‌تر بودند؛ دیوارهای خشت و گلی، مادی‌های دسترنج شیخ بهایی، درختان بلند چنار و بناهای بارزشی همچون مسجد گنبد، کبوترخانه‌ها، حمام‌های خزینه‌دار و مقبره شیخ شهاب‌الدین آزادانی. این محله قدیمی در محدوده خیابان آتشگاه قرار دارد و به گفته یکی از اهالی، قدمتش به حدود سه هزار سال می‌رسد.

روایت‌هایی از نام‌گذاری محله



گفته شده که آزادان دهی بوده بسیار به شهر اصفهان نزدیک، در سمت غربی شهر که کمتر از یک تا دو کیلومتر فاصله داشته و چون شهر اصفهان از هر سو توسعه یافته و رشد شهرنشینی سرعت گرفته، بسیاری از ده‌های نزدیک حومه خود را بلعیده. از آن جمله، ده آزادان است که به شهر متصل شده.

در کتب تاریخی آمده: «به این آزادان رجال و بزرگان بسیار معروفی منسوب بوده‌اند که در کتاب "ذکر اخبار اصفهان" حافظ ابونعیم نام آن‌ها آمده است. نظر به اینکه این کلمه از قدیم مورد توجه ایرانیان بوده است و خود را فرزند آزادگان (بنی الاحرار) می‌خواندند، از این جهت در سرتاسر ایران امکنه بسیاری به نام "آزاد" یا ترکیب با آن آمده است.»

همچنین یاقوت حموی گفته است: «یک قریه هم از قراء اصفهان به نام آزادان (با ذال معجمه) نامیده می‌شود و از جمله رجال که به این قریه منسوب‌اند، ابو عبدالرحمن قتیبه بن مره مقری آزادانی است...»

حاج علی نصر اصفهانی که از ساکنان قدیمی محله و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است درباره علت نام‌گذاری محله می‌گوید: «حدود دوهزار و ۵۰۰ سال پیش عده‌ای از مردم که از ظلم و ستم حاکم وقت گریخته بودند، در این محل ساکن شدند و به آبادانی آن پرداختند. از آنجا که این افراد از ظلم و ستم آزاد شده بودند این محل را آزادان نامیدند.» به گفته او، هفت طایفه در محله آزادان ساکن هستند که از جمله آن‌ها طایفه عربی‌ها، سیدها، عبداللهی‌ها و... هستند. هرکدام از این طایفه‌ها در گوشه‌ای از محله سکنا می‌گیرند و اینجا را آباد می‌کنند و به این ترتیب محله گسترش می‌یابد.

شغل اجدادی مردم آزادان



به دلیل آب‌وهوای مناسب، شغل بیشتر مردم این منطقه کشاورزی و دامداری بوده و انواع میوه‌ها و صیفی‌جات در این منطقه به عمل می‌آمده است که دیگر خبری از آن‌ها نیست. پشم‌ریسی و نخ‌ریسی و پارچه‌بافی نیز هنر دست زنان محله بوده که خاطراتی دور به حساب می‌آیند.

روایتی متفاوت

نام خانوادگی نصر در محله آزادان بیشترین بسامد را دارد. از هرکسی نام خانوادگی‌اش را می‌پرسیم می‌گوید «نصر هستم!» آقای حسین نصر که او نیز از قدیمی‌های محله آزادان است، تاریخچه‌ای کوتاه با روایتی متفاوت، از محله برای ما بیان می‌کند: «نام این محل در ابتدا آزادگان بوده. فردی به نام نصر بن سیاح زردشتی به نصرآباد می‌آید و این محله را آباد می‌کند. آتشکده آتشگاه را نیز او بنا می‌کند. پایین کوه آتشگاه حمامی بوده به نام کف‌نان که اکنون "کک‌نون" گفته می‌شود. مردم از نازوان به آتشگاه برای عبادت و دیدن نور می‌رفتند و پس از برگشتن، در این حمام غسل می‌کردند. یک کف دست نان به آن‌ها می‌دادند که از هفت گیاه پخته می‌شده. یک جرعه هم نوشیدنی از هفت گیاه می‌نوشیدند. آن‌ها در معبدی که در این نزدیکی است و اکنون به لواخانه گنبد مسجد معروف است، مراسمی را برای عبادت برگزار می‌کردند. وقتی از این محل می‌رفتند به آن‌ها آزاد شده می‌گفتند و از آنجا که این زردشتیان مردمی آزاده بوده‌اند، این محله را آزادگان نام نهادند که بعداً آزادان شده است.»

حوالی عصر است و خورشید اندکی از مرکز آسمان فرود آمده. به آزادان پا می‌گذارم و در بوستان محله با عده‌ای از ساکنان اینجا آشنا می‌شوم که روزگاری دراز با این محله اخت گرفته‌اند و با تمام خوبی‌ها و کاستی‌هایش، دل در گرو آن دارند.

آقای حسین نصر آزادانی که نظامی بازنشسته است، به همراه برادرش شکرالله و آقای دیگری که او هم فامیلش نصر است، در بوستان آزادان کنار هم روی نیمکت نشسته‌اند و از هوای مطبوع بهره می‌برند.

آداب و رسوم که کمرنگ شده

از او درباره آداب و رسوم مختلفی که در گذشته در محله وجود داشته می‌پرسیم. نصر می‌گوید: «چهارشنبه‌سوری، شب یلدا و دیدوبازدیدهای عید نوروز حال و هوای ویژه‌ای داشتند. مراسم‌های عروسی هم متفاوت از امروز بود. مراسم در خانه‌ها برگزار می‌شد، عروس را پیاده به خانه داماد می‌بردند و مهمانان با کنده‌های درخت آتش برپا می‌کردند و به آتش بازی می‌پرداختند.» او درباره مراسم‌های عزاداری ماه‌های محرم و صفر نیز بیان می‌کند: «مردم دسته‌های عزا راه می‌انداختند و از این محله به محله‌های دیگر می‌رفتند؛ صداقت و راستی بیشتری در بین عزاداران دیده می‌شد. بانی این مراسم خود مردم بودند و هر خانواده‌ای پیشنهاد می‌کرد که خودش هزینه‌ها را پرداخت کند.» شب یلدا و مراسم قاشق‌زنی هم از رسوم بوده که نصر درباره آن چنین توضیح می‌دهد: «فردی چادری روی سرش می‌انداخت و طبقی را روی سر می‌گذاشت و با قاشق به کاسه می‌زد. اگر کسی در منزل چیزی اضافه داشت، توی طبق روی سر آن فرد می‌گذاشت؛ حالا خوراکی بود یا لوازم آشپزخانه و چراغ و ... اگر کسی هم چیزی برای بخشیدن نداشت، از داخل طبق آنچه را نیاز داشت برمی‌داشت.»

این ساکن قدیمی محله آزادان می‌گوید: «در گذشته اینجا محل عبور بود و خیابانی وجود نداشت. مردم برای خرید مایحتاج خود به بازارهایی کوچک محله مراجعه می‌کردند که دیگر خبری از آن‌ها نیست. بیشتر محله درختان مثمر داشت و زمین‌های کشاورزی بود که کم‌کم تغییر کاربری دادند و ساختمان‌سازی شد و به علت خشک‌سالی هم دیگر کشاورزی رونق ندارد.»

بافت محله تغییر کرده است



فضای محله به صورتی است که بومی و غیربومی کاملاً قابل تشخیص هستند و این را می‌شود از نگاه‌های اهالی به خوبی فهمید. شکرالله نصر می‌گوید: «اینجا از فضای بومی دارد کم‌کم خارج می‌شود و از جاهای دیگر در محله ساکن شده‌اند. غریبه‌ها می‌آیند و خانه می‌خرند؛ اما زندگی در اینجا تغییر خاصی نکرده و





دعوت می‌کردند که الان که فکر می‌کنیم می‌گوییم چطور ما به این عروسی‌ها رفته‌ایم!»
حنابندان و مراسم عروسی و پاتختی با آداب و شور و حال بسیار اجرا می‌شده و چون بیشتر وصلت‌ها در محله بوده، عروس‌کشان پیاده انجام می‌شده و با داریه و دنبک عروس راهی خانه داماد می‌کرده‌اند.

مرداوچ آتگاه!

خانم نصر می‌گوید: «آزادان نسبت به دیگر محله‌های ماریین پیشرفته‌تر بوده و ما اسم اینجا را مرداوچ آتگاه گذاشته‌ایم؛ اما نیازهایی در محله داریم که امیدواریم مسئولان به آن‌ها رسیدگی کنند.»

مغازه‌ای که چهار نسل را به خود دیده



در گذر نزدیک مسجد مغازه‌ای نظرم را به خود جلب می‌کند؛ مغازه‌ای که با ترازوی سنگی اش، تلفن سکه‌ای و قفسه‌های رنگ‌رورفته‌ای که از سال‌ها پیش باقی مانده، نمادی است از زمانی که همه چیز ساده بود و هنگام خرید کردن نگران پرداخت فوری نبودی؛ چون همه می‌توانستند نسیه خرید کنند؛ حتی غریبه‌ها. ترشی‌ها و رب‌ها و مواد غذایی فله‌ای که در مغازه هستند بی‌تردید هنوز مزه قدیم‌ها را دارد؛ آن طعم لذیذ بچگی که گاهی ما را درگیر خود می‌کند. آقای نصر آزادانی، صاحب مغازه می‌گوید که چهار نسل اینجا را گردانده‌اند و تغییرهای کمی به فضای مغازه داده‌اند.

برعکس فروشگاه‌های پررنگ و لعاب امروزی که انواع مواد خوراکی را می‌فروشند، در این مغازه مواد غذایی مفیدی به دست مردم می‌رسیده. نصر آزادانی به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کند و می‌افزاید: «مادرم شیربرنج می‌پخت و ما توی مغازه می‌فروختیم. رب گوجه‌فرازی درست می‌کرد و ماست درون "تاره" می‌ماساند و مشتری‌ها می‌آمدند و خیلی خوب هم خرید می‌کردند. میوه هم داشتیم؛ اما حالا فقط همین اجناسی را می‌فروشیم که دیگر مغازه‌ها هم می‌فروشند.» او می‌گوید قدیم‌ها کاسی رونق بیشتری داشت و مردم قدرت خرید بیشتری داشتند؛ اما حالا به خاطر گرانی و مشکلاتی که هست، مردم کمتر به مغازه می‌آیند.

غروب شده است و صدای اذان از گلدسته مسجد با صدای بادی که درون درخت‌ها می‌وزد همراه شده. از مغازه بیرون می‌آیم. پیرمردی با چهره‌ای روشن و عصایی در دست، آرام‌آرام به طرف مسجد می‌رود؛ گویی تاریخ محله را بر دوش دارد.



فقط درخت بود و پارکی به این معنا وجود نداشت. محله بیشه‌ای بود پر از انواع درختان و مادی‌هایی که پرآب بودند. قسمت‌هایی که الان خالی و بایرند بسیار سرسبز بود و چمن‌های فراوانی داشت. متأسفانه بی‌آبی باعث خشکی درختان و فضای سبز شد و مجبور شدند درختان خشک شده و آفت‌زده را قطع کنند؛ اما دیگر درختی جایگزین نشد و آن بیشه تبدیل شده به تعدادی از درختان و این بوستان.»

خانم نصر از سرگذشت کوچه‌های خاکی در گذشته چنین تعریف می‌کند: «کوچه‌ها در فصل‌های بارندگی پر از گل‌ولای می‌شد و رفت‌وآمدها را بسیار سخت می‌کرد. کوچه‌ها برق داشتند؛ اما چون بسیار باریک بودند نور تیرهای چراغ برق چندان روشنایی به کوچه نمی‌داد؛ با این حال امنیت بسیاری حاکم بود و ما نگرانی بابت رفت‌وآمد نداشتیم. کم‌کم کوچه‌ها پهن شدند و خیابان‌ها به وجود آمدند. زنان محله لباس‌ها و ظرف‌هایشان را در جوی آبی که از محله می‌گذشته می‌شستند؛ جویی که بسیار پرآب و شفاف بوده و حالا اثری از آن نیست!»

گاز هم که نبوده، پخت‌وپز با آتش یا کپسول‌های گاز انجام می‌شده. بعدها در زمان انقلاب لوله‌کشی آب و گاز به محله می‌آید.

قالی بافی و اقتصاد محله

قالی بافی علاوه بر اینکه یکی از سرگرمی‌های زنان محله بوده، در کمک به اقتصاد خانواده نیز نقش مهمی داشته است. خانم عابدی که اهل درجه است و عروس خانواده نصرها شده، می‌گوید: «من زیاد قالی می‌بافتم و کمک خرج خانواده بودم. خودم قالی دار نمی‌کردم. استادکار می‌آمد و قالی را دار می‌کرد و من می‌بافتم. ازدواج که کردم و به آزادان آمدم خودم دار درست می‌کردم و بعد کسی می‌آمد و قالی را روی دار می‌کشید و ما می‌بافتم.»

در محله آزادان خانمی بوده که کارگاه قالی بافی داشته و قالی شرکتی می‌زده و خانم‌های دیگر برای کار به این کارگاه می‌آمده‌اند؛ اما سال‌هاست به دلیل مشکلات جسمی دیگر کار نمی‌کند.

خانم نصر می‌گوید: «علاوه بر مشکلات شخصی، گران شدن هزینه‌ها و نبود حمایت از قالی بافان و صادرات قالی‌ها هم علت‌هایی است که باعث شده دیگر کسی سراغ این میراث قدیمی نرود.» به غیر از قالی بافی، شغل اصلی خانم نصر خیاطی بوده و در این رابطه بیان می‌کند: «قدیم‌ترها برای سیسمونی نوزادان، چهیزیه عروس و... به من مراجعه می‌کردند؛ اما حالا نه خودم توان سابق را دارم و نه دیگر مردم علاقه‌ای به دوخت‌ودوز دارند؛ چون همه چیز آماده در مغازه‌ها هست.»

عروسی‌هایی که دیگر رونق ندارد

وقتی از آداب و رسوم عروسی‌های گذشته می‌پرسم خانم‌ها با اشتیاق و درهم حرف می‌زنند؛ یکی می‌گوید آن دیگر آن و شور و حال قدیم نیست. دیگری با حسرت به خانم مستاجران که کنارش نشسته، می‌گوید: «ما را جاهایی عروسی

مردم زندگی عادی خودشان را انجام می‌دهند و در کنار هم سازگاری دارند.»

در حال حرف‌زدن هستیم که تعدادی موتورسیکلت با شتاب از کنارمان می‌گذرند. او با اشاره به آن‌ها تأکید می‌کند: «این موتورسیکلت‌ها هم آسایش را از ما گرفته‌اند.»

یادش بخیر...



قدیم‌ترها جلوی خانه‌ها سکوهای وجود داشت که محلی بود برای دورهمی‌های همسایگان. این دورهمی‌ها برای زنان کارکردهای مختلفی داشت؛ از یافتن عروس برای پسرهای دم بخت تا پاک‌کردن سبزی و رتق و رتق امور منزل!

این سکوها و دورهمی‌ها کم‌کم از بین رفتند؛ فضای شهرنشینی بر محله‌ها حاکم شد و خانه‌ها تبدیل به آپارتمان شدند؛ بنابراین محله نیاز به فضایی داشت که این دورهمی‌ها و مراودات همسایگی باقی بماند. پارک‌های محلی و بوستان‌ها این نقش را پذیرفتند و حالا زنان به جای جلوی خانه‌ها، در پارک و بوستان محله گرد هم می‌آیند و ساعتی را به گفت‌وگو می‌نشینند. در این محله نیز بوستان آزادان چنین نقشی را یافته است.

تعدادی از خانم‌های محله را می‌بینم که کنار هم روی نیمکت نشسته‌اند؛ اما خبری از پاک‌کردن سبزی و... نیست. از یکی از آن‌ها که سال‌هاست عروس آزادانی‌ها شده، درباره گذشته و آداب و رسوم محله می‌پرسم.

خانم نصر می‌گوید: «یادش بخیر. چقدر گذشته خوبی داشتیم! همسایه‌ها با هم بسیار خوب بودند، فامیل با هم رفت‌وآمد می‌کردند و کمک‌حال یکدیگر بودند. حالا دیگر اثری از این روابط نیست و مردم انگار چشم دیدن هم را ندارند!»

او ادامه می‌دهد: «هوا که خوب می‌شود و رو به گرمی می‌رود، زنان محله به پارک می‌آیند و چندساعتی را با هم می‌گذرانند و دور هم هستند. گاهی آتش روشن می‌کنند و با درست‌کردن چای آبتی و تنقلات حال و هوایشان عوض می‌شود.»

همسایگی هنوز در جریان است



این ساکن محله آزادان می‌افزاید: «یک سری اختلاف عقاید بین مردم محله به وجود آمده که آن‌ها را از هم دور کرده و کمی نگرانی وجود دارد در برقراری روابطشان.» به گفته او، غریبه‌های زیادی وارد محله شده‌اند و اینجا را از هویت سنتی خود خارج کرده‌اند؛ اما هیچ مشکلی برای هم نداشته‌اند و گاهی در دورهمی ساکنان قدیمی شرکت می‌کنند و ارتباطی دوستانه با هم دارند.

خاطره مادی‌ها و بیشه آزادان



خانم افقری نیز که ساکن آزادان است، درباره حال و هوای محله و تغییراتی که نسبت به گذشته داشته می‌گوید: «اینجا



سارا حقیقی

گنج نهان آزادان

مسجد گنبد؛ میراثی که قرن‌ها پایداری کرده تا به ما برسد، رو به ویرانی است

در دل هر محله اصفهان بنایی تاریخی قرار دارد که مانند گنجی بی‌نهایت، از گذشتگان به ما رسیده؛ میراثی که هویت مردمی است که سال‌ها به ساختن و آبادانی پرداخته‌اند و یادگاری برای غنا و عمق بخشیدن به زندگی.

از جمله این یادگاران دور، مسجد گنبد در محله آزادان است؛ مسجدی که وارد شدن به آن، آداب سایر مساجد را ندارد و همچون پیرمردی که از خانه طرد شده باشد، در گذری از محله نشسته؛ به این امید که روزی کسی او را دریابد!

مسجد گنبد آزادان را ساختمان‌های نوساز احاطه کرده‌اند؛ با این حال اصالت و نقش و نگار این کهنه‌سرا، زیبایی چشمگیر معماری گذشته ما را به معرض تماشا می‌گذارد.

این بنا از بیرون شبیه خانقاه است و از درون نیز شامل یک فضای گنبددار در بخش جنوبی و صحنی مستطیل‌شکل در بخش شمالی و رواق‌هایی در دو سمت شرقی و غربی است. به غیر از فضای گنبددار، سایر بخش‌ها تازه‌سازتر و الحاقی هستند.

برای وارد شدن به مسجد، کلید در بسته آن را از فرهنگ‌سرای همجواری گرفتیم! با باز شدن قفل در، آهی از سر حسرت کشیدیم که چنین دژ گران‌بهایی چرا به مخروبه‌ای می‌ماند که چیزی نمانده فروبریزد و چنان بی‌مهری دیده که به جای محل رفت‌وآمد گردشگران و علاقه‌مندان آثار تاریخی، جایی شده برای زباله‌ها و انبار وسایل دورریزی!

برای دانستن قدمت این اثر کمترشناخته شده و روزگاری که بر او گذشته، با علی نصر اصفهانی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش و از ساکنان قدیمی و معتمد محله آزادان گفت‌وگویی انجام دادیم.

سندی که گویای زمان بنا بود، مخدوش شده!

او مدتی درباره این بنای تاریخی تحقیق کرده و در این مسیر از اطلاعات محققانی که برای شناسایی مسجد به محله آمده بودند، مقاله‌های تحقیقی و جست‌وجوی محلی و نقل قول قدیمی‌ها بهره برده است. نصر اصفهانی می‌گوید که سند مکتوبی درباره قدمت مسجد نیست؛ اما کتیبه‌ای در خود بنا وجود دارد که زمان ساخت آن را مشخص کرده که متأسفانه از روی عمد یا سهو آن را مخدوش کرده‌اند!

او می‌افزاید: «دیواره گنبد مربوط به زمان ساسانیان و حدود بیش از دوهزار سال پیش است؛ اما خود گنبد را در زمان ایلخانیان، یعنی در حدود ۷۰۰ سال پیش روی دیواره‌ها قرار داده‌اند.»

دیواره‌های مسجد سه‌لایه هستند

به گفته این دبیر بازنشسته، تعمیرات دیواره‌های داخلی در زمان‌های مختلف بوده و سه‌لایه است؛ لایه زیرین خشتی است، لایه دوم کاهگلی است که روی آن کشیده شده، سپس در قسمت پایین آن گچ کشیده‌اند و روی آن دومرتبه گچ، کار شده است.

او درباره تاریخ مرمت‌ها بیان می‌کند: «آخرین اطلاعاتی که در دست داشتیم، نوشته کنار یکی از پرچم‌ها به عربی بود با این متن: "در سنه ۸۰۰



به مسجد می‌آمده‌اند. همچنین در سال‌های نه‌چندان دور در این مکان مکتب‌خانه‌ای برای آموزش قرآن و دروس دینی برقرار بوده است.

این معتمد قدیمی محله آزادان با اشاره به این غرفه‌ها می‌گوید: «آمدند با آجر پایه‌های غرفه‌ها را جایگزین کردند؛ اما کار به درستی انجام نشد و رها شده ماند. مادر گذشته پیگیری کردیم و شهرداری بودجه‌ای ده‌میلیونی اختصاص داد و دیوارهای بیرونی را تعمیر کردند و میراث فرهنگی هم کارهایی انجام داد. حدود ۴۰ سال پیش در کمیته عمران منطقه، یکی از کارکنان به نام آقای مهندس ماه‌گرفته که علاقه زیادی به آثار تاریخی داشت، بسیار پیگیری کرد و بودجه‌ای را گرفت. با این بودجه توانستیم دیواره‌های آجری دور گنبد را که داشت تخریب می‌شد ننگه داریم و خود گنبد را هم که ترک خورده بود روی دیوار گلی گذاشتیم تا حفظ شود. قرار بود یک کلاف بتنی روی دیوار بگذارند تا دور گنبد را بگیرد؛ اما این کار انجام نشد. در این چهل‌پنجاه‌ساله مرمت‌هایی به صورت جسته‌وگریخته انجام شده که تاکنون بنا سر پا مانده است. ساختمان شمالی بنا گلی بوده که آن هم تخریب شده؛ اما مشابه همان طرح قبلی بازسازی شده است.»

زیرزمین را برای فعال شدن مسجد ساختند

پایین غرفه‌ها زیرزمینی قرار دارد که متروک مانده و راه ورود به آن از ضلع شرقی مسجد است. از نصر اصفهانی درباره این زیرزمین می‌پرسیم: «این زیرزمین جدید است و حدود چهل‌واندی سال پیش در بازسازی قسمت شمالی حیاط ساخته شده است. نمازخانه‌ای در همین قسمت بود که اهالی محل برای خواندن نماز به آنجا مراجعه می‌کردند. زمانی می‌خواستند که مسجد را به شکلی فعال کنند؛ بنابراین زیرزمین را برای ساختن وضوخانه و سرویس بهداشتی ایجاد کردند که باز هم متأسفانه رها شد!»

ساسانیان بوده و پرچم‌های لشکر را در این مکان نگهداری می‌کرده‌اند. در آن زمان کارکرد آتشکده نیز داشته که برای عبادت و سایر مراسم مذهبی آتش روشن می‌کرده‌اند.»

مرمت غرفه‌های گلی ناتمام ماند

در حیاط مسجد گنبد غرفه‌های گلی وجود دارد که با آجر مرمت شده‌اند. کارکرد این غرفه‌ها پذیرایی از عزاداران هنگام محرم و صفر بوده یا کسانی که برای عبادت و سایر مناسبت‌ها

هجری قمری این بنا مرمت گردید". من حدود پنج‌شش سال پیش این متن را خوانده بودم؛ اما متأسفانه این نوشته را مخدوش کرده‌اند و نمی‌توان آن را به درستی تشخیص داد و خواند.»

لواخانه و علت نام‌گذاری آن

نصر آزادانی درباره نام دیگر مسجد گنبد که «لواخانه» است نیز توضیحاتی می‌دهد: «به گفته محققانی که درباره بنا تحقیق می‌کردند، اینجا را لواخانه می‌گفته‌اند؛ زیرا مقر لشکر سپاه در زمان





مریم نقیان

مکانی مقدس که محل دفن پسر

شیخ است

در گفته‌های اهالی محل به قبر پسر شیخ شهاب‌الدین اشاره شده بود. در این رابطه از نصر اصفهانی پرسیدیم. او می‌گوید: «قبری که نشان‌دهنده این موضوع باشد وجود ندارد و تنها فضایی نزدیک مسجد النبی هست که در بین مردم رایج بوده این فضا مقدس است و آنجا شمع روشن می‌کردند. این زمین که به صورت قناسی مجاور یک منزل مسکونی است، به عنوان موقوفه شناخته شده و بنابراین ساخته نشده است؛ هرچند که جایی چنین مسئله‌ای ثبت نشده است.»

او در پایان می‌گوید که به تازگی عده‌ای از جوانان مشغول تحقیق درباره این بناهای تاریخی هستند که امیدوارم به شناسایی بیشتر این آثار کمک کنند و مسئولان نیز به نگهداری از آن‌ها توجه بیشتری داشته باشند.

گلی داخل مسجد، محلی بوده برای درس و بحث. بعد از درگذشت شیخ شهاب‌الدین، او را در همین مکان فعلی دفن می‌کنند و سنگ قبری را بر مزار او قرار می‌دهند که آن را از روی مزار شیخ می‌برند؛ اما دوباره به صورت شکسته آن را برمی‌گردانند. نصب این سنگ قبر که به صورت دو تکه عمودی و افقی است، دوسه سال پیش انجام شده.

این دبیر بازنشسته با اشاره به اقدام‌های شهرداری برای سامان‌دهی این بقعه می‌گوید: «این قبر قبلاً همکف بوده و این سنگ روی آن قرار داشته که بعداً شهرداری آن را سامان‌دهی کرده و قبر کنونی که بتنی است، ایجاد شده؛ همچنین فضای اطراف آن سامان‌دهی و بدنه‌سازی و محوطه نیز دیوارکشی شده است.»

از بقعه بالای قبر تنها یک ستون باقی مانده

او می‌افزاید: «بر بالای مزار بقعه‌ای با چهار پایه و یک گنبد قرار داشته که بر اثر گذشت زمان و بی‌توجهی‌ها از بین رفته و تنها بخشی از یک ستون آن باقی مانده است.»

شده و نمادی از اسلامی شدن لواخانه است.»

ثبت ملی هم مانع تخریب نشده!

این معتمد محله آزادان از مسئولان و متولیان میراث فرهنگی گلایه‌مند است و می‌گوید: «این اثر تاریخی در سال ۱۳۸۲ با شماره ۱۵۲۱۳ ثبت ملی شده است. انتظار داشتیم کسانی که برای بازدید آن می‌آمدند، فکری به حال اوضاع این بنای تاریخی بکنند؛ پیش از اینکه از بین برود.»

بقعه شیخ شهاب‌الدین و تاریخچه آن

همجوار با بنای مسجد آزادان، بقعه‌ای قرار دارد که منتسب به شیخ شهاب‌الدین آزادانی است. ساختمان این بقعه که محل دفن این عارف قرن نهم است، تخریب شده و تنها یک ستون از آن باقی مانده. نصرآزادانی با اشاره به سنگ قبر و قدمت آن بیان می‌کند: «این سنگ قبر مربوط به ۸۰۰ سال پیش است.» به گفته او، شیخ شهاب‌الدین تدریس دروس دینی و حوزوی انجام می‌داده و محل درس او نیز همین مسجد گنبد بوده است. غرفه‌های

تخریب نقوش دیواره‌ها

بر دیواره‌های مسجد نقوشی ترسیم شده که هرکدام ویژگی خاصی دارد و بیانگر مفهومی است. دو کتیبه در قسمت غربی و شرقی بوده که مخدوش شده. به گفته او، زمانی می‌خواستند حریمی برای مسجد در نظر بگیرند که ساخت‌وسازی اطراف آن صورت نگیرد. این دبیر بازنشسته می‌گوید: «گمان می‌کنم عده‌ای برای ممانعت از این کار، به تخریب دیواره و نقوش آن دست و شیطنت‌هایی انجام داده‌اند!»

به غیر از کتیبه‌ها در دو طرف محراب، بالای فضای غربی یک شمسه و دو شمشیر ذوالفقار کشیده شده و دو پرچم با ذکر «لا اله الا الله» و آیه «نصر من الله و فتح قریب» نیز به چشم می‌خورد. در ضلع شرقی و غربی نیز تصویری از مکه و مدینه با شرح جزئیات نقاشی شده و تصاویری از بهشت و جهنم موجود بوده که بر اثر بی‌توجهی، دیگر برای بازدید گردشگران احتمالی، چندان واضح نیستند!

نصر اصفهانی به منبر گلی درون مسجد نیز اشاره می‌کند: «این منبر بعد از اسلام در مسجد ساخته

مسجدی به قدمت همدلی در محله آزادان

گفت‌وگو با احمد نصر، عضو هیئت امنای مسجد الحسین (ع)



در دل محله آزادان اصفهان، مسجدی قرار دارد که سال‌هاست نه تنها محل اقامه نماز، بلکه نقطه‌ای برای گردهمایی، همدلی و فعالیت‌های فرهنگی مردم محله است. مسجد الحسین (ع) آزادان برای بسیاری از ساکنان این محدوده فقط یک بنای مذهبی نیست؛ بلکه بخشی از هویت محله به شمار می‌آید. برای آشنایی بیشتر با این مسجد و فعالیت‌های آن، در گفت‌وگو با احمد نصر، عضو هیئت امنای مسجد الحسین (ع) آزادان، پای صحبت‌های او نشستیم.

احمد نصر در ابتدای گفت‌وگو از قدمت این مجموعه سخن می‌گوید: «مسجد و حسینیه‌ای که در کنار آن قرار دارد، سابقه‌ای طولانی در محله دارد و تاریخ شکل‌گیری این مجموعه به بیش از دو قرن پیش بازمی‌گردد. در طول این سال‌ها، مسجد چندین بار مرمت و بازسازی شده تا بتواند همچنان پذیرای اهالی محله باشد.» به گفته نصر، این مسجد در طول نسل‌های مختلف، محل تجمع مردم برای عبادت و همچنین فعالیت‌های اجتماعی بوده است.

این مسجد در خیابان آتشگاه، بلوار آتشگاه، خیابان بهشت و کوچه ۱۳ قرار دارد؛ جایی که برای بسیاری از اهالی آزادان، نشانی آشنا و قدیمی است. نصر می‌گوید: «مسجد الحسین (ع) از گذشته تا امروز نقش مهمی در زندگی اجتماعی مردم محله داشته و بسیاری از برنامه‌های مذهبی و فرهنگی در همین مکان برگزار می‌شود.» به گفته این عضو هیئت‌امنا، برنامه‌های مسجد تنها به نمازهای یومیه محدود نمی‌شود. در طول هفته برنامه‌های متنوعی برای گروه‌های مختلف سنی برگزار می‌شود که بخشی از آن‌ها جنبه آموزشی و بخشی دیگر جنبه فرهنگی و مذهبی دارند.

از جمله این برنامه‌ها می‌توان به جلسات قرآن، کلاس‌های تفسیر و برنامه‌های مناسبی اشاره کرد.

به برنامه‌های عبادی و مذهبی محدود نمی‌شود. به گفته نصر، یکی از بخش‌های مهم فعالیت مسجد، کمک به خانواده‌های نیازمند محله است. در مناسبت‌های مختلف، بسته‌های حمایتی و کمک‌های مردمی جمع‌آوری و میان خانواده‌هایی که نیازمند هستند توزیع می‌شود.

او می‌گوید: «همیشه تلاش کرده‌ایم مسجد علاوه بر جایگاه معنوی، پناهی برای همدلی و کمک به مردم محله هم باشد.» به گفته این عضو هیئت‌امنا، حضور مردم در برنامه‌های مسجد همچنان چشمگیر است. در روزهای عادی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر در مسجد حضور پیدا می‌کنند و در برخی برنامه‌های شبانه یا مناسبت‌های مذهبی، این تعداد به حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر نیز می‌رسد. او معتقد است این استقبال نشان می‌دهد که مسجد هنوز هم در زندگی اجتماعی و فرهنگی محله آزادان نقش پررنگی دارد.

نصر همچنین به فعالیت‌های فرهنگی برای نوجوانان و جوانان اشاره می‌کند و می‌گوید: «تلاش شده برنامه‌هایی طراحی شود که نسل جدید نیز به مسجد جذب شوند.» به گفته او، برگزاری جلسات آموزشی، برنامه‌های فرهنگی و فعالیت‌های گروهی از جمله اقداماتی است که در این زمینه انجام می‌شود. با وجود این فعالیت‌ها، مسجد همچنان با برخی نیازها و چالش‌ها روبه‌رو است. نصر می‌افزاید: «تأمین هزینه‌های نگهداری، بهبود امکانات و توسعه برنامه‌های فرهنگی از جمله مسائلی است که نیازمند همراهی بیشتر خیران و مردم محله است.»

باین‌حال، آنچه از صحبت‌های احمد نصر برمی‌آید، این است که مسجد الحسین (ع) آزادان همچنان قلب تپنده‌ای در این محله به شمار می‌آید؛ جایی که عبادت، همدلی و فعالیت‌های فرهنگی در کنار هم جریان دارند؛ مسجدی که با پشتوانه سال‌ها حضور مردم، هنوز هم نقش مهمی در پیوند اهالی محله آزادان ایفا می‌کند.

نظر گرفته شده است. صبح‌های جمعه نیز دعای ندبه با حضور علاقه‌مندان برگزار می‌شود. از دیگر برنامه‌های معنوی مسجد، قرائت سوره فتح در شب‌هاست که به صورت منظم انجام می‌شود.»

عضو هیئت‌امنا مسجد الحسین (ع) آزادان معتقد است چنین برنامه‌هایی باعث شده مسجد همچنان به‌عنوان یک مرکز فعال مذهبی در محله باقی بماند و نسل‌های جوان‌تر نیز با آن ارتباط برقرار کنند. اما فعالیت‌های مسجد الحسین (ع) تنها

او در ادامه به برنامه‌های هفتگی مسجد اشاره می‌کند و می‌گوید: «در طول هفته برنامه‌های متعددی در مسجد برگزار می‌شود. شنبه‌ها جلسه تفسیر قرآن داریم، یکشنبه‌ها جلسه قرآن برگزار می‌شود و دوشنبه‌ها نیز برنامه‌ای با موضوع امام مهدی (عج) داریم.»

نصر در ادامه بیان می‌کند: «سه‌شنبه‌ها دعای توسل در مسجد برگزار می‌شود و در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه نیز جلسات مذهبی و فرهنگی دیگری برای اهالی در



میره فهامی

جایی برای پیوند فرهنگ و معنویت

گفت‌وگو با حسین پناهی، مدیر خانه فرهنگ آزادان و کانون خدمت رضوی حب‌الائمه



در دل محله‌ای که روزهایش با همه‌همه کودکان و رفت‌وآمد اهالی می‌گذرد و شب‌هایش با خاطره جنگ رمضان گره خورده، مکانی قرار است مرهم همین خاطره‌ها باشد؛ جایی که هم بوی ورزش صبحگاهی می‌دهد، هم عطر کیک تازه، هم صدای خنده کودکان و هم زمزمه زیارت امین‌الله.

خانه فرهنگ آزادان، تنها یک ساختمان چندکلاسه نیست؛ پناهی است برای دل‌های خسته، فرصتی برای رشد و یادگیری و پلی میان نشاط دنیوی و معنویت رضوی. در کنار آن، کانون خدمت رضوی حب‌الائمه همچون قلبی در متن این خانه فرهنگی می‌تپد؛ جمعی از خادم‌یاران و یاوران رضوی که خدمت به مردم را امتداد خدمت در حرم امام رضا(ع) می‌دانند، هرچند کیلومترها از مشهدالرضا دور باشند. این گفت‌وگو، روایت تلاش‌هایی است که از سال‌های اخیر در آزادان شکل گرفته؛ تلاش برای ساختن شهری مهربان‌تر، محله‌ای پویاتر و دل‌هایی آرام‌تر. در ادامه، بخش‌های مختلف فعالیت خانه فرهنگ آزادان و کانون خدمت رضوی حب‌الائمه را از زبان حسین پناهی، مدیر این دو مجموعه مرور می‌کنیم.

آغاز فعالیت خانه فرهنگ آزادان

خانه فرهنگ آزادان از سال ۱۴۰۰ فعالیت خود را آغاز کرده است و بنده از سال ۱۴۰۲ مدیریت این مجموعه را برعهده دارم. این خانه دارای چهار کلاس آموزشی و یک سالن اجتماعات است. سالن اجتماعات با ظرفیت حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ نفر، برای برگزاری دوره‌ها و برنامه‌هایی که نیاز به فضای بزرگ‌تری دارند مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر برنامه‌های داخلی، اهالی محله و مدارس منطقه نیز برای برگزاری کلاس‌ها و اجتماعات خود از این سالن بهره می‌برند.

ورزش صبحگاهی؛ پرمخاطب‌ترین برنامه

در این خانه فرهنگ، یک مجموعه ورزشی فعال وجود دارد که انواع کلاس‌های ورزشی بدون توپ برای بانوان و آقایان برگزار می‌شود؛ از جمله یوگا، پیلاتس، کاراته و چند رشته دیگر. ورزش صبحگاهی بانوان از پرمخاطب‌ترین برنامه‌هاست؛ به‌گونه‌ای که حدود ۷۰ نفر از زنان محله و منطقه به‌طور مستمر از این کلاس استفاده می‌کنند.

آشپزخانه خانه فرهنگ و کلاس‌های آشپزی

یکی از بخش‌های جذاب مجموعه، آشپزخانه خانه فرهنگ است که در آن کلاس‌های عملی آشپزی، شیرینی‌پزی و کیک‌پزی برگزار می‌شود. این کلاس‌ها علاوه بر ایجاد فضایی شاد و صمیمی، به توانمندسازی بانوان و علاقه‌مندان در حوزه مهارت‌های خانگی و حتی زمینه‌سازی برای اشتغال کمک می‌کند.

برگزاری کلاس‌های آموزشی و هنری

در حوزه آموزش، کلاس‌های متنوعی برای گروه‌های مختلف سنی برگزار می‌شود؛ از جمله کلاس‌های تقویتی دروس و زبان انگلیسی، دوره‌های خلاقیت و بازی ویژه کودکان، کلاس‌های هنری مانند روبان‌دوزی و چرم‌دوزی. این برنامه‌ها باعث شده است خانه فرهنگ آزادان به فضایی برای رشد علمی، هنری و خلاقیت کودکان و نوجوانان تبدیل شود.

۲۰۰ تا ۲۵۰ مخاطب روزانه

خانه فرهنگ آزادان از ساعت ۷:۳۰ صبح تا ۱۹:۳۰ بعدازظهر فعال است و مخاطبان در این بازه زمانی از امکانات و کلاس‌ها استفاده می‌کنند. باتوجه به تعطیلی مدارس در فصل تابستان، مراجعه‌کنندگان در این فصل افزایش می‌یابند؛ به‌طور متوسط روزانه بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر از مردم محله و منطقه از خدمات خانه فرهنگ بهره می‌برند که نشان‌دهنده استقبال چشمگیر اهالی است.

برگزاری مشاوره‌های فردی و گروهی

یکی دیگر از فعالیت‌های خانه فرهنگ برگزاری مشاوره‌های فردی و گروهی است؛ به‌عنوان مثال، با توجه به حوادث جنگ رمضان و بمباران منازل در آزادان، نیاز به ابعاد روانی و کاهش اضطراب و استرس در میان مردم محله احساس می‌شد؛ به همین دلیل در روزهای اخیر اقدام به برگزاری مشاوره گروهی با موضوع رفع اضطراب و استرس شده است.

کانون خدمت رضوی حب‌الائمه در قلب خانه فرهنگ

دفتر اداری کانون خدمت رضوی حب‌الائمه در خانه فرهنگ آزادان مستقر است. این کانون از اسفند ۱۳۹۹ آغاز به کار کرده و یکی از مجموعه‌هایی است که تحت نظارت دبیرخانه کانون‌های خدمت رضوی استان قدس رضوی فعالیت می‌کند.

حضور فعال ۶۰ خادم‌یار و یاور در کانون

در این کانون حدود ۶۰ نفر خادم‌یار و یاور فعال حضور دارند و در عرصه‌های مختلف به مردم منطقه خدمت می‌کنند. به‌طورکلی، کانون‌های خدمت رضوی در ۱۹ عرصه خدمت می‌کنند که در کانون حب‌الائمه ۹ عرصه از این خدمات، به‌صورت فعال درحال اجراست. فعالیت کانون، منطقه‌ای است و در هر منطقه از شهر معمولاً یک تا دو کانون فعال وجود دارد. در منطقه ۹ اصفهان نیز کانون‌های حب‌الائمه و صاحب‌الزمان مشغول خدمت هستند. یکی از عرصه‌های مهم فعالیت کانون حب‌الائمه، برگزاری جشن‌ها و مراسم مرتبط با امام‌رضا(ع) و اوج این برنامه‌ها در دهه کرامت است؛ به‌عنوان نمونه، در سال جاری در شب ولادت امام‌رضا(ع) جشن باشکوهی در چهارراه جهاد در مجموعه خانه فرهنگ آب برگزار شد که در حدود هزار و ۴۰۰ نفر در این برنامه شرکت کردند. در عرصه مشاوره روان‌شناسی، کانون خدمت رضوی حب‌الائمه یک خط ارتباطی تلفنی در اختیار مردم منطقه قرار داده است؛ همچنین مراجعه‌کنندگان



می‌توانند به‌صورت رایگان در دفتر کانون، مشاوره دریافت کنند. در صورت نیاز به خدمات تخصصی‌تر، مراجعان به مرکز مشاوره دبیرخانه کانون‌های خدمت رضوی واقع در خیابان بزرگمهر ارجاع داده می‌شوند. یکی دیگر از عرصه‌های فعال کانون، عرصه حقوقی است. با همکاری چند نفر از وکلای دادگستری، خدمات مشاوره حقوقی برای مردم منطقه ارائه می‌شود تا در حل و کاهش مشکلات حقوقی خانواده‌ها مؤثر باشد. در حوزه سلامت، کانون چند نفر از بیماران صعب‌العلاج منطقه را تحت پوشش دارد. خادم‌یاران به‌صورت رایگان از این بیماران پرستاری می‌کنند و در کنار خانواده‌ها می‌ایستند تا بخشی از بار سنگین بیماری را سبک‌تر کنند.

در عرصه راندگی، اگر بیمار یا نیازمندی برای مراجعه به مراکز درمانی، اداری یا سایر مکان‌ها وسیله نقلیه نداشته باشد، رانندگان خادم‌یار به‌صورت رایگان سرویس رفت‌وآمد او را برعهده می‌گیرند. در عرصه سفره‌مهریانی، هر هفته روزهای چهارشنبه با مشارکت خیران برای حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر غذا تهیه می‌شود. این غذاها به یاد و به نیت امام‌رضا(ع) بین نیازمندان منطقه توزیع می‌شود.

چهارشنبه‌های امام‌رضایی در مساجد و مدارس

کانون حب‌الائمه برنامه چهارشنبه‌های امام‌رضایی را در مساجد منطقه اجرا می‌کند. این برنامه تاکنون حداقل یک‌بار در تمام مساجد منطقه ۹ اصفهان برگزار شده است. هدف اصلی این طرح، زنده‌نگه‌داشتن نام و یاد امام‌رضا(ع) در مساجد است؛ به‌ویژه با قرائت زیارت امین‌الله. این برنامه در بسیاری از مدارس منطقه نیز اجرا شده و فضایی معنوی در میان دانش‌آموزان ایجاد کرده است.

عرصه ایثار و شهادت و تکریم خانواده شهدا

در عرصه ایثار و شهادت، خادم‌یاران کانون در مناسبت‌های مختلف با در دست داشتن پرچم متبرک امام‌رضا(ع)، مهمان منازل شهدا می‌شوند. در این دیدارها از خانواده شهدا تجلیل به عمل می‌آید؛ به‌عنوان نمونه، در شب ولادت امام‌رضا(ع) از خانواده شهیده خلیلیان، همسر خادم‌یاران نصرآزادانی از شهدای جنگ رمضان، تجلیل شد. از شب اول جنگ رمضان تاکنون، کانون خدمت رضوی حب‌الائمه موبکی را در چهارراه جهاد برپا کرده است. این موبک هر شب از ساعت ۹ تا ۱۱:۳۰ مشغول خدمت‌رسانی به مردم اهالی محل است. در این موبک، با توجه به امکانات و مشارکت خیران، با نوشیدنی‌های گرم و گاهی اطعام، از مردم پذیرایی می‌شود و استقبال اهالی از این برنامه‌ها بسیار خوب بوده است.



اکرم کیانی

تلاش برای قوی کردن نوجوانانها

گفت وگو با محمد جواد نصر آزادانی، مربی فوتسال



محمد نصر آزادانی متولد ۱۳۷۶ فارغ التحصیل رشته حقوق از دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان و از اهالی محله آزادان است. نزدیک به ۲۸ سال می شود که ساکن این محله است و از کودکی اینجا بزرگ شده و پدر و اجداد او همگی متعلق به این محله قدیمی هستند.

اصفهان مهد رشته فوتسال بوده است

او درباره نحوه ورودش به رشته ورزشی فوتسال به «هم محله» می گوید: «از دوران نوجوانی مرتب ورزش می کردم و در زمین چمن ورزش محله به همراه نوجوانان هم محله ای، بعضی اوقات مشغول بازی در فوتسال بودم. افراد بامهارتی در این رشته هم بودند که پیش آن ها آموزش دیدم. هشت سالی می شود که وارد این رشته ورزشی شده ام و در مسابقات سطح استانی هم شرکت کردم و سه سال قبل موفق به کسب رتبه در سطح استانی شدم.» این مربی فوتسال درخصوص سختی های یادگیری این رشته ورزشی تصریح می کند: «در طول این چند سال بیشتر نقش مربیگری داشتم و مربی یکی از باشگاه های مجهز ورزشی در زمینه رشته فوتسال در شهر اصفهان هستم. در واقع اصفهان مهد رشته فوتسال بوده و فوتسال آسیا از اصفهان شروع شده است و افراد شاخص و بازیکنان برجسته زیادی در این رشته در اصفهان بودند. در حال حاضر هم در تیم ملی رشته فوتسال ورزشکاران مثل مهدی خانی و مسعود یوسف از فعالان این رشته ورزشی در اصفهان هستند.»

او خاطرنشان می کند: «در رشته فوتسال در طول این سال ها سعی کردم به شکل آکادمیک علاقه مندان به این رشته ورزشی را آموزش دهم. تجهیزات خوبی در باشگاه ها برای انجام این ورزش برای علاقه مندان فراهم شده و در حال حاضر بهترین باشگاه ها برای جذب افراد در این رشته ورزشی در سطح شهر اصفهان در حال فعالیت هستند.» نصر آزادانی عنوان می کند: «اما جای تأسف دارد که با وجود اینکه امکانات، همه شرایط و زیرساخت ها برای این رشته ورزشی در اصفهان وجود دارد، به وضوح می بینیم که نوجوانان امروزی همه به سمت بازی های کامپیوتری، اینترنتی و بازی های موبایلی گرایش دارند و کمتر به انجام ورزش فوتسال رغبت نشان می دهند. نوجوانان تمایل زیادی به این رشته ها ندارند و در واقع سبک زندگی ها آن ها تغییر پیدا کرده و امروزه آپارتمان نشینی باعث شده نوجوانان هم به انجام بازی های مجازی روی بیاورند.»

لزوم حمایت خانواده از نوجوانان برای

ورود به این رشته ورزشی
این مربی با سابقه فوتسال با اشاره به اینکه در محله آزادان یک زمین چمن برای رشته فوتسال نوجوانان وجود دارد، اضافه می کند: «اگر کسی علاقه به این رشته داشته باشد، می تواند از این زمین چمن برای تمرین کردن

استفاده کند؛ اما در کل می بینیم که مانند قدیم آن خروجی های مدنظر برای آموزش به نوجوانان و به صورت حرفه ای در زمینه رشته فوتسال وجود ندارد و استقبال زیادی هم از این رشته نمی شود. نکته مهم این است که یک نوجوان اگر بخواهد فوتسالیست حرفه ای شود، باید خانواده هزینه لازم برای کسب مهارت ها و حرفه ای شدن او در این رشته ورزشی را داشته باشد.»

او ادامه می دهد: «در حال حاضر در سطح شهر اصفهان زیرساخت های قوی برای انجام این رشته ورزشی فراهم شده است و این رشته ورزشی هزینه های زیادی برای علاقه مندان به دنبال دارد. البته در مناطق متفاوت اصفهان، آکادمی برای فعالیت در رشته تخصصی فوتسال داریم که هزینه کمتری را از نوجوانان دریافت می کنند تا آن ها بتوانند از این امکانات استفاده کنند. کسانی که وارد این رشته ورزشی می شوند باید سبک زندگی شان را تغییر دهند و انرژی لازم را برای یادگیری این رشته ورزشی را بگذارند.»

نصر آزادانی تأکید می کند: «در حال حاضر بسیاری از نوجوانان علاقه مند به یادگیری رشته فوتسال هستند؛ اما خانواده امکان پرداخت هزینه ها را ندارد و با وجود داشتن استعداد و علاقه اولویت آن ها فوتسال نیست و به نوعی استعدادشان از بین می رود.»

نوجوانان را به بهانه درس خواندن از

ورزش محروم نکنیم

این مربی فوتسال درخصوص لزوم همراهی خانواده ها با نوجوان برای انجام این رشته ورزشی می گوید: «فوتسال رشته ای است که اگر نوجوانی قصد ورود به آن را دارد، باید در مرحله اول خانواده بتواند حمایت لازم را از او داشته باشد و سبک زندگی اش را تغییر دهد و تلاش زیادی برای آموختن داشته باشد.» او عنوان می کند: «اگر خانواده ها شرایط



لازم را برای نوجوانان فراهم نکنند، آن دسته از نوجوانانی که استعداد ورزشی هم دارند، ناخودآگاه استعدادشان از بین می رود. بسیار دیدیم نوجوانانی بودند که استعداد و علاقه لازم را برای ورزش فوتسال داشتند و تنها سه ماهه تابستان برای ورزش کردن به آکادمی می آمدند و در طول سال خانواده آن ها را وادار به درس خواندن می کردند.»

این مربی فوتسال با اشاره به لزوم برخورداری یک ورزشکار حرفه ای فوتسال از مهارت ها برای موفقیت بیشتر می گوید: «یک ورزشکار حرفه ای فوتسال برای موفقیت در این رشته باید از ویژگی و مهارت هایی برخوردار باشد تا بتواند به خوبی عمل کند. او باید هوش تاکتیکی، تکنیکی و چابکی زیادی داشته باشد و به طور مداوم تمرین کند؛ همچنین تمرکز لازم در این مسیر و داشتن علاقه و استعداد زیاد هم موجب بروز موفقیت برای علاقه مندان می شود.»

این مربی فوتسال به خانواده هایی که نوجوان آن ها دوست دارد ورزش فوتسال را بیاموزد، توصیه می کند: «از هر پنجاه هزار نفر شاید یک نفر در این رشته به مراتب بالا دست پیدا کند؛ بنابراین تنها به قهرمان شدن فرزندشان در این حرفه فکر نکنند. خانواده ها باید بدانند نوجوان با انجام این ورزش در کنار همسالان کار گروهی، بردن و باختن، تمرین کردن و تقدیر کردن را یاد می گیرد. نوجوان شما در این ورزش مرام و معرفت، جوانمردی مروت و اخلاق را می آموزد و یاد می گیرد تا لحظات آخر برای بردن در بازی بجنگد و طعم شکست را هم در این ورزش می چشد و در واقع همه این موارد را مرحله به مرحله یاد می گیرد و می فهمد که باید برای موفقیت تلاش زیادی کند.»



میره فهامی

سه موشک برای یک نفر!

گفت‌وگو با حاج ابوالقاسم نصر آزادانی، همسر، پدر، پدرشوهر و پدربزرگ شهیدان خانواده نصر آزادانی

حاج خانم بعضی که از اول، صحبت را سخت کرده و مانع راحت حرف زدن است می‌شکند؛ اشکی که یک مرد برای همسری می‌ریزد که تمام عمرش، خادمی اهل بیت را می‌کرد.

از چه سالی روضه خوانی تان شروع شد؟

حدوداً از سال ۷۵ روضه خوانی را شروع کردیم. دهه آخر ماه صفر، روضه از اذان صبح شروع می‌شد و کم‌کم روضه خوانی را به پیشنهاد ایشان گسترش دادیم.

به چه صورتی؟

ایشان گفتند پنج شب از دهه فاطمیه دوم را هم روضه بخوانیم. از چند ماه قبل تدارکات روضه را برنامه‌ریزی می‌کرد؛ از خرید مواد غذایی گرفته تا تهیه وسایل. خانم‌های محل هم خیلی همراه بودند و در کارها کمکشان می‌کردند. به پیشنهاد ایشان روضه زنانه، عصرهای دهه سوم محرم هم برپا شد.

حاج خانم فعالیت دیگری هم داشتند؟

ایشان بسیار فعال بودند. هر کسی در خانه ما می‌آمد دست خالی بر نمی‌گشت و ایشان سعی می‌کرد مشکلاتشان را به هر طریقی برطرف کند. سفرهای زیارتی را هم با هم پیگیری می‌کردیم.

برنامه سفرهای زیارتی به چه صورت بود؟

با حاج خانم می‌رفتیم مشهد. بعد از پیدا کردن اسکان مناسب، صحبت می‌کردیم و قرارداد می‌نوشتیم. با کمترین قیمت، چند اتوبوس جور می‌کردیم و راهی می‌شدیم. اهالی محل و محله‌های اطراف در سفرها شرکت می‌کردند. قم و جمران هم می‌بردیم. حاج خانم برای شام سفر، از دوست و آشنا بانی پیدا می‌کرد تا هزینه‌ها تا جایی که می‌شود پایین بیاید و یک عده از خانم‌های کم‌بضاعت هم بتوانند در این سفرها حضور پیدا کنند. این برنامه ادامه داشت؛ تا اینکه منجر به سفرهای کربلا شد.

چطور؟

خیلی از افراد مراجعه می‌کردند و می‌گفتند ما تا به حال کربلا نرفتیم و خیلی علاقه داریم به این سفر برویم. حاج خانم پیشنهاد داد که کارهای ثبت نامشان را انجام دهد؛ ولی گفتند دلمان می‌خواهد خودتان هم باشید. این شد که سفرهای کربلا هم شروع شد. برنامه‌ریزی می‌کرد، حرم می‌بردشان و هوای همه را داشت.

تابه حال شده بود از شهادت بگویند؟

بله؛ از وقتی که جنگ رمضان شروع شد و حضرت آقایان شهید شد، حاج خانم می‌گفت من دیگر طاقت ندارم. من هم باید شهید شوم. از همان شب بود که قرار گذاشتیم و هر شب بعد از خوردن افطار می‌رفتیم و در تجمعات مردمی تا نیمه شب شرکت می‌کردیم.



همان افرادی بود که شهیدگونه زندگی می‌کرد. اینار و گذشت یکی از بارزترین خصوصیات اخلاقی‌اش بود؛ چه برای خانواده خودمان چه برای مردم دیگر. اخلاق بی‌نظیری داشت. هیچ‌وقت دوست نداشت کسی از او دلخوری داشته باشد. اگر حس می‌کرد چنین اتفاقی افتاده، سریع خودش برای برطرف کردنش پیش قدم می‌شد.

از همان زمان جلسه روضه را برپا کردید؟

بله؛ از آن سال برنامه روضه خوانی را شروع کردیم و تا الان ادامه دادیم. پیگیری و تدارکات جلسات با حاج خانم بود و همه کارها را با نظم خاصی مدیریت می‌کرد. (یادآوری مدیریت و نظم

چقدر در زندگی همراهی‌شان می‌کردید؟

من از سال ۶۰ تا آخر جنگ رزمند بودم و خیلی در خانه حضور نداشتم. ایشان بیشتر بار زندگی را بر دوش می‌کشید. خیلی دلمان می‌خواست



باید می‌رفتند؛ درست مثل بیست شب پیش از آن. باید می‌رسیدند به وعده‌گاه عاشقان؛ به همان موبک فلکه جهاد که هر شب، چراغ دلشان آنجا روشن می‌شد. حاج ابوالقاسم و همسرش، افطار را خورده و نخورده راه افتادند؛ با همان شوق همیشگی، با همان قرارهای ساده و صمیمی. آن شب اما حضورشان طولانی‌تر شد. انگار دلشان نمی‌آمد دل بکنند. شب عید فطر بود؛ شبی که همیشه بوی آغازی تازه می‌دهد.

در راه بازگشت، طبق عادت هر شب، سری به مسجد امام سجاد (ع) زدند. آقا مهدی، پسرشان هم آنجا بود. سه روزی می‌شد که ندیده بودندش. سلام و احوال‌پرسی گرمی ردوبدل شد؛ از همان سلام‌هایی که خیال می‌کنی فردا هم تکرار خواهد شد؛ غافل از آنکه بعضی دیدارها، بی‌آنکه بدانیم، آخرین سلام‌اند. قرار بود صبح زود فردا، دوباره برود. رفت؛ اما برای همیشه.

حالا چهل روز از آن شب پر از آتش و خون گذشته است و من در گذرگاه نور و سایه مقابل خانه‌ای در محله آزادان ایستاده‌ام؛ خانه‌ای که چهل شب پیش، سرشار از شور زندگی بود و امروز، داغ چهار عزیز را بر دل دارد. نور آفتاب بر آجرها و سنگ‌های شکسته می‌تابد؛ بر دیوارهایی که هنوز بوی خاطره می‌دهند. این خانه را همه اهل محل می‌شناختند؛ خانه‌ای که کسی از درش دست خالی بر نمی‌گشت؛ خانه‌ای که عطر روضه اهل بیت از آن برمی‌خاست و سه ماه از سال، پرچم روضه بر سردرش، خودنمایی می‌کرد. عطر سمنوی نذری‌اش در کوچه می‌پیچید و در یادها می‌ماند؛ اما قصه ناگهان عوض شد. در شب عید فطر وقتی که باید نوای تقبل‌الله شنیده می‌شد، صدای انفجار، جای ترنم عشق را گرفت، موشک‌های دشمن، چهارگل از این باغ پرثمر را چید و مادر بزرگ، حاج خانم جان‌نثاری؛ پسر خانواده، سرهنگ پاسدار مهدی نصر آزادانی؛ عروس مهربانشان، خانم خلیلیان و دو نوه کوچک، محمدحسین و فاطمه‌زهرا، از این خانه پر کشیدند؛ نام‌هایی که دیگر تنها در قاب عکس‌ها نیستند؛ آن‌ها در حافظه یک محله زنده‌اند.

این خانه، با همه زخم‌هایش، هنوز ایستاده است. راه آنان ادامه دارد و پرچم بر زمین نخواهد ماند. این روزها اهل خانه در تلاش‌اند حسینیه را دوباره سرپا کنند و پرچم عزای امام حسین (ع) را دوباره بالا ببرند؛ چرا که این پرچم هیچ‌گاه زمین نخواهد ماند. در چنین فضایی، پای صحبت حاج ابوالقاسم نصر آزادانی نشستیم تا از آنان بگویم؛ از عزیزانی که رفتند، اما روایتشان همچنان در این خانه و این محله جاری است.

از ازدواجتان با حاج خانم جان‌نثاری برایمان بگویید.

من در سال ۶۱ با حاج خانم جان‌نثاری ازدواج کردم. ایشان متولد سال ۴۲ بود و من متولد سال ۱۳۳۸. حدود ۴۵ سال این زندگی مشترک ادامه داشت و حاصل آن چهار فرزند پسر بود.

همسر شهیدتان را چگونه توصیف می‌کنید؟

در تمام مدتی که با ایشان زندگی کردم به قول سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، ایشان از جمله

گوشم توان شنیدنشان را ندارد. انگار مداحی
روضه حضرت زهرا(س) می خواند و تنها با گفتن
کلمه پهلوی، روضه شروع شده است...

آجر سال ها خادمی حضرت زهرا(س)
را گرفتند!

با همان صدایی که غمش، کوه را آب می کند
ادامه می دهد و می گوید: خیلی سخت است
صحبت کردن درباره این موضوع... (این را
می گوید و دوباره از آقامهدی یاد می کند؛ از سالار
خانه اش). آقامهدی در کمک به خانواده و مردم،
سالار خانواده، محله و منطقه بود. در روضه و
سمنویزان همیشه کمک دستان بود.

برنامه سمنویزان کی انجام می شد؟

برای تولد حضرت زهرا(س) سمنو می پختیم.
حاج خانم از تعدادی از خانم های سادات محل
دعوت می کرد تا برای پاک کردن گندم به منزل
ما بیایند. در تمام مراحل کارهای پخت سمنو
حدیث کسا می خواند. روزی چند بار؛ موقع
عوض کردن آب گندم ها تا وقتی که می رفت
توی قابلمه. از وقتی سمنو می رفت روی
آتش تا زمان جوش آمدن، سخت ترین مرحله
پخت بود. تمام این مرحله با حضور و نظارت
آقامهدی انجام می شد. هر سه شب تا صبح،
سر دیگ نذری بود.

نوه های شهیدتان چند سالشان
بود؟

محمدحسن ۷ سالش بود و خیلی باهوش.
وقتی می خواست بیرون کلاس اول، تمام
حروف الفبا را بلد بود. می نوشت و
می خواند. جمله هایی می نوشت که یک
کلاس دوم سومی هم نمی توانست آن ها را
بنویسد. جمله های سخت تلویزیون را هم
می خواند. یک هفته قبل از شهادتش خانه
ما بود. افطاری اش را که خورد، آمد پهلوی
من نشست. گفت: «پدر جون، من دوست
ندارم بمیرم! من دوست دارم شهید بشم.»
و باز با اشک و حسرت جمله آخر
محمدحسن را تکرار می کند: «من دوست
دارم شهید بشم...» انگار به او الهام شده
بود که قرار است شهید شود.

و فاطمه زهرا؟

فاطمه زهرا هم ۶ سالش بود. مادرشان که به
مدرسه محمدحسن می رفت با خواهرش زینب
به طبقه ما می آمدند. با حاج خانم خیلی صمیمی
بود و با ما انس زیادی داشت.

از عروستان، خانم خلیلیان هم یادی
کنیم.

ایشان قبل از ازدواج با مادرشان به مراسم
روضه ما می آمد؛ تا اینکه یکی از دوستانش
که در محل ما ساکن بود، ایشان را به
حاج خانم معرفی کرد و ازدواج سر گرفت.

مهم ترین معیار آقامهدی برای
ازدواج چه بود؟

سه چیز برای ایشان خیلی مهم بود.
نجابت و پاکی، دیانت و محجبه بودن
و اینکه از نظر سیاسی هم عقیده باشند.
ایشان هم الحمدلله خانمی مؤمن و
بااخلاص بود. هر کسی به ایشان مراجعه
می کرد با تمام وجود سعی می کرد مشکلتش
را حل کند. برایشان وام می گرفت و در حد
توان کارشان را راه می انداخت. خیلی خانم
خوبی بود. بالاخره مزدش را هم خدا داد و
به شهادت رسید.



از به دنیا آمدن آقامهدی و تجربه
پدر شدن برای اولین بار بگویید.

هفتم خرداد سال ۱۳۶۳ آقامهدی به دنیا آمد.
فضای جنگ بود و من بیشتر اوقات منطقه
بودم. آقامهدی شش ماهش بود که من به خانه
آمدم. مدتی بودم و دوباره به جبهه برگشتم.
متأسفانه بسیاری از خاطراتم به خاطر اتفاق
موشک باران منزلمان از ذهنم رفته است.

اسم آقامهدی را چه کسی انتخاب
کرد؟

خودم و همسرم انتخاب کردیم. زمانی که
مهدی به دنیا آمد، دو شب مانده بود به نیمه
شعبان و تولد امام زمان (عج). آقامهدی اسمش
را با خودش آورد. (باز اشکها پهنه صورت را
می گیرند. برای داغ پرسی که برای اولین بار به او
سمت پدري داده بود.)

در تربیت و بزرگ کردن آقامهدی چه
مواردی برایتان مهم بود که نتیجه اش
انتخاب راه شهادت برایشان شد؟

تربیت حاج خانم بسیار مهم بود. برادر من و برادر
حاج خانم هر دو شهید شده اند و آقا مهدی در
خانواده ای بزرگ شد که با شهادت بیگانه نبود.
ان شاء الله لقمه حلالی هم که آوردیم بی تأثیر
نبوده است. ما برای رفتن به مدرسه، دانشگاه
و جاهای دیگر، همیشه تحقیق می کردیم تا
بچه هایمان در محیط های سالمی رشد پیدا
کنند. خدا هم لطف کرد و این بچه های خوب را
به ما عطا کرد.

آقامهدی در چه رشته ای ادامه
تحصیل داد؟

ایشان رشته مکانیک دانشگاه کاشان درس
می خواند. درسش خیلی خوب بود؛ ولی
به خاطر کارهای فرهنگی هشت سالی آنجا بود.
مسئولیت بسیج دانشگاه را داشت و دانشجویان
را به اردوهای راهیان نور می برد. یک بار هم ما به
دیدنش رفتیم و خاطره خوبی بریمان شد.

از آن خاطره بریمان بگویید.

به خاطر مشغله و کارهای دانشگاه، شش ماهی
می شد که آقامهدی به خانه نیامده بود. با
مادرش به دیدنش رفتیم. هنوز از اردوی
راهیان نور برگشته بود. منتظرش ماندیم تا
برسد. پرسیدم از آقامهدی راضی هستید؟ یکی
از مسئولان دانشگاه گفت: در بین این چند هزار
دانشجو ما هیچ کس را مثل او نداریم.

شما موافق بودید آقامهدی همان
مسیری که خودتان رفتید بروید و وارد
سپاه شوید؟

چون من نظامی بودم، او هم دوست داشت
نظامی باشد. من هم موافق بودم. وقتی برگشت
اصفهان، گفت که می خواهم وارد سپاه شوم.

شما چه گفتید؟

گفتم من در خدمتم. هر کاری داشتی همراهت
هستم. رفت، امتحان داد و در دانشگاه
امام حسین (ع) قبول شد.

از آخرین دیدارتان بگویید.

شب عید فطر، طبق روال شب های قبل، ساعت
۸:۳۰ با حاج خانم رفتیم بیرون. از همه شب ها
دیرتر برگشتیم. آمدیم مسجد امام سجاده (ع) توی
خیابان آتشگاه. آقامهدی هم آنجا بود.

سه شب بود که او را ندیده بودیم. دست و
روبوسی و احوال پرسی کردیم. گفت باید فردا
صبح زود بروم. اگر هم را ندیدیم خدا حافظ.

یک ربع بعد از رسیدن ما به خانه، آقامهدی هم
آمد. واحدشان طبقه پایین واحد ما بود.

و آن لحظات تلخ چه زمانی اتفاق
افتاد؟

میوه ای خوردیم و حاج خانم بلند شد وضو گرفت
برای خواندن نماز "هزار قل هو الله". هر سال
شب عید فطر مشهد بودیم. این نماز را به نیتی
می خواند و حاجتش را می گرفت. امسال به خاطر
وضعیت جنگ، نبودن آقامهدی و دست تنهایی بودن
خانمش، حاج خانم قبول نکرد که به مشهد برویم.
قرار بود اگر اوضاع بهتر شد بعد از عید فطر راهی
شویم. حاج خانم کنار دیوار مشغول خواندن نماز
شد و من هم که خسته بودم، در اتاق کناری دراز
کشیدم. یک مرتبه صدای انفجار مهیبی آمد و من
را به طرف دیگر پرتاب کرد. به خودم پیچیدم و
وقتی چشم باز کردم، دیدم منزلمان تارک شده و
پراز دود و آتش است.

موشک به واحد شما هم خورده بود؟

از بالای پشت بام دو موشک زده بودند و یک
موشک هم از پنجره واحد آقامهدی. موشکی
که از بالا آمده بود، سقف ما را سوراخ کرده و در

واحد آقامهدی منفجر شده بود. (باز سکوتی
سنگین، نفسی که به سختی بالا می آید و مرور
حادثه، بعضی سنگین می شود و اشک هایی
که حالا به هق هقی ممتد تبدیل شده است.
به سختی بغض را فرو می دم؛ اما اشکها
برای جاری شدن اجازه نمی گیرند!) نفسی سخت
می کشم و می گویم: و آقامهدی شهید شدند!
برای یک هدف سه موشک زدند؟! بله، آقا
مهدی، همسرشان و دو فرزندشان محمدحسن
و فاطمه زهرا، همه ایرا اربا شده بودند. (باز و باز
سکوت و اشک...)

همه خانواده شان شهید شدند؟

نه؛ زینب خانم، دختر سه ساله شان، تنها
فرزندشان بود که خداوند لطف کرد و معجزه وار
این یادگار را برای ما زنده گذاشت.

همسرتان هم همان لحظه به
شهادت رسیدند؟

بله؛ حاج خانم به حضرت زهرا (س) خیلی علاقه
داشت؛ مثل ایشان هم با پهلوی شکافته از دنیا
رفت. موشکی که از بالا آمده بود... (جمله ها
آن قدر سنگین، پر از غم و اشک شده اند که





زهره سادات کاظمی

مصائب کوچه‌های باریک و پرپیچ

آزادان در کنار زیبایی و بومی بودن، با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند که باید به آن توجه شود



آزادان یکی از محله‌های پهنه ماریین بوده است. زاینده‌رود به واسطه مادی‌ها در آن جریان داشته و جریان این رودخانه در دل محله، باعث شکل‌گرفتن زندگی شده است. مردمان این خطه در پناه زاینده‌رود، خاک را کشت می‌کردند و باعث سرسبزی و نشاط محله شده بودند. جاری‌شدن آب در جوی‌های محله، باعث شکل‌گیری راه عبورومرور و ساخت خانه‌ها در طول مسیر شده بود که امروز در محله اثر این گذرها و کوچه‌های باریک و مارپیچ هنوز پابرجاست. با آنکه تغییرات شهری در محله آزادان راه پیدا کرده؛ اما وقتی وارد محله می‌شوی هنوز می‌شود به خوبی ساختار قدیم محله را دید.

این کوچه‌ها باریک و گذرهای پیچ‌درپیچ که روزی قدم‌زدن در آن برای مردم لذت‌بخش بود، امروز به مشکلی برای محله بدل شده است؛ چون این شکل از کوچه با عبورومرور خودرو و افزایش سطح رفت‌وآمد در محله سنخیت ندارد و مشکلاتی برای اهالی به وجود آورده است. شکل‌گرفتن محله به دنبال خط آب و جوی‌ها، باعث ترسیم فضایی شده است که متناسب با روند زندگی امروزی و نوع زندگی مردم نیست. محله وسعت پیدا کرده و رفت‌وآمد به دلیل افزایش جمعیت، بیشتر شده است؛ اما کوچه‌ها با پیچ‌وخم‌های زیاد به گلوگاه تبدیل شده و خطرآفرین شده است. در بسیاری از این کوچه‌ها چیزی به عنوان پیاده‌رو تعریف نشده و عبور کودکان و سالمندان در این کوچه‌های باریک، با توجه به اینکه علائم ترافیکی هشداردهنده در این معابر هم تقریباً نصب نشده، خطرناک است.

کشاورزی و باغداری شغل مردم محله بوده است؛ اما این روزها دیگر تقریباً اثری از زمین‌های سرسبز نمی‌بینیم. برخی از این زمین‌ها به دلیل

نیازهای مردم در این بوستان است. یکی دیگر از مشکلات این بوستان درخت‌های کهن‌سالی است که برخی از آن‌ها به دلیل خشک‌سالی‌های اخیر پرخطر شده‌اند و هر لحظه امکان فرود دارند. حتی یکی از این درخت‌ها مدتی قبل، به دلیل پوسیدگی سقوط کرده و به یک خودرو آسیب زده است. بنا به گفته اهالی محله، اگرچه در این بوستان چاه عمیقی وجود دارد؛ اما آبیاری درخت‌ها به‌درستی انجام نمی‌شود. دسترسی‌ناداشتن به برخی خدمات شهری مثل درمانگاه، یکی دیگر از مشکلات محله آزادان است. مشکل ترافیکی و خطرآفرین بودن تقاطع در خیابان بهشت و کمبود نور در معابر محله و البته خیابان بهشت، هم از جمله دیگر مشکلاتی بود که محلی‌ها به آن اشاره کردند.

هستند. در محله‌های بومی و قدیمی، قشر سالمند آمار فراوانی دارند. آن‌ها طبق فرهنگ بومی محله، ساعاتی از روز را در کنار هم می‌گذرانند. در محله آزادان هم به دلیل بومی‌بودن و نسبت‌های متعدد فامیلی، مردم به این دورهمی‌ها بیشتر علاقه دارند؛ اما به دلیل بافت محله به مکان‌های مناسب که شامل صندلی و میز برای دورهمی و امکانات مناسب برای سالمندان باشد، توجه کافی نشده است. بوستان آزادان که در کنار یک جوی قدیمی طراحی شده، یکی از مکان‌هایی است که در ساعات عصر شاهد حضور و تجمع مردم محله است؛ اما این بوستان کوچک هم امکانات مناسب برای نشستن و دورهمی ندارد. سرویس بهداشتی و شیر آب، یکی از

خشک‌سالی و تغییر کاربری، به ساختمان تبدیل شده‌اند و برخی دیگر به‌صورت بایر رها شده‌اند و منبعی برای ریزگردها و یا تجمع نخاله و زباله. زمین‌های بلاتکلیف بایر در دل محله، با توجه به کمبود شدید آب باید تعیین تکلیف شوند تا از وضعیت ناخوشایند امروز خارج شوند.

بقایای خانه‌های خشت و گلی با سقف‌های چوبی که بی‌نصب از تخریب نبوده‌اند، نشان از قدمت ساختمان‌های محله دارد. دیوارهای نیمه‌خرابه و سقف‌های ویران که به دلیل بی‌توجهی به بناها، در گوشه‌وکنار محله دیده می‌شوند، امروز در زمره بافت فرسوده به شمار می‌آیند؛ بافت‌های فرسوده‌ای که در بعضی از گذرها چهره نازیبا به محله داده‌اند و در بعضی مواقع خطرآفرین هم





منیره فهامی

ثبت تصویری آثار جنگ رمضان

گفت‌وگو با علی نجات بخش، مدرس و هنرمند عکاس محله آزادان

در دل محله آزادان، هنرمندی رشد کرده که روایت شخصی‌اش از جنگ، خانواده و تصویر، به زبان عکاسی شکل گرفته است. علی نجات بخش، متولد ۱۳۷۱، مدرس دانشگاه و دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد عکاسی از پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او از آن دسته هنرمندانی است که مسیر زندگی‌اش از ریاضی و علوم کامپیوتر آغاز شد؛ اما در نهایت به تصویر ختم شد؛ تصویری که ریشه در تجربه‌های عمیق کودکی، زیستن در خانواده‌ای مذهبی و مواجهه نزدیک با مفهوم جنگ دارد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی است با این هنرمند عکاس درباره مسیر زندگی و دغدغه‌هایش.



ریشه‌ها: کودکی در سایه جنگ

من در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پدرم و پدربزرگم و پدربزرگان شیخ محل بودند و پدرم رزمنده و جانباز جنگ. این فضا از کودکی برای من جدی و پرنرگ بود. جنگ برای من یک مفهوم دور و انتزاعی نبود؛ بخشی از زیست روزمره‌ام بود. پدرم یک پای خود را در جنگ از دست داده بود و با عصا راه می‌رفت. از کودکی او را متفاوت از دیگر پدرها می‌دیدم. همیشه وقتی بچه‌ای در جمع بود، پارچه‌ای روی پیش می‌کشید تا او به خاطر نداشتن پیش‌ترسد. من با همین تصاویر بزرگ شدم. شاید همان تجربه‌ها بود که نوعی خشم پنهان نسبت به جنگ در من ایجاد کرد؛ خشمی که بعدها در انتخاب موضوع پروژه‌هایم خودش را نشان داد.

برگزاری نمایشگاه عکس «۱۲ روز»

همین نگاه باعث شد در جنگ دوازده‌روزه در تهران بمانم و عکاسی کنم که در ادامه، این عکس‌ها منجر به برگزاری نمایشگاهی در دانشگاه تهران شد؛ نمایشگاهی با عنوان «۱۲ روز». این نمایشگاه که یک هفته ادامه داشت، با استقبال زیادی روبه‌رو شد. در این نمایشگاه به نشانه ۱۲ روز جنگ از ۱۲ عکس استفاده کردم و در کنار هر عکس، شعری قرار دادم. وقتی برای عکاسی منازل آسیب‌دیده می‌رفتم، از افرادی که آنجا بودند می‌خواستم تا اولین شعری که به ذهنشان می‌آید بگویند و همین اشعار، شد قابی کنار عکس‌ها.

در روزهای ابتدایی جنگ رمضان هم در تهران و سپس در اصفهان، وقایع و جنایات دشمن را ثبت کردم. امیدوارم این مجموعه در قالب کتابی منتشر شود.

از ریاضی تا تصویر؛ کشف یک مسیر

قبل از دانشگاه، در رشته ریاضی فیزیک تحصیل می‌کردم. هر پروژه‌ای که داشتم، با دقت، نظم، ذوق و وسواس خاصی انجام می‌دادم. دوستانم همیشه می‌گفتند علی ذوق هنری بیشتری دارد.

کارشناسی علوم کامپیوتر را در دانشگاه اصفهان خواندم. نقطه عطف زندگی‌ام آنجا شکل گرفت. من فتوشاپ تدریس می‌کردم؛

نرم‌افزاری که به نظرم مرز میان علم ریاضی و کامپیوتر و هنر است. هم به منطق و ساختار نیاز دارد و هم به ذوق هنری. گاهی در کارم با اصطلاحات عکاسی و خلأهای مفهومی مواجه می‌شدم. تا اینکه یک روز کنار سالن غذاخوری دانشگاه، اطلاعیه کانون عکس و کلیپ را دیدم؛ دوره عکاسی با تدریس استاد بهنام تاجمیری‌یاحی. ثبت‌نام کردم و آنجا بود که جدی‌تر وارد عکاسی شدم.

تجربه‌گرایی و جسارت در عکاسی

به گفته استاد، تمرین‌هایم متفاوت بود. اهل ریسک بودم؛ حتی وسط اتوبان عکاسی کردم! برای اجرای تکنیک عکاسی با سرعت شاتر پایین، از لوستر بندی آویزان کردم و به آن یک LED قرمز متصل کردم. آن را چرخاندم و از پایین به بالا عکاسی کردم؛ تا جایی که اینرسی باعث توقف کامل حرکت شد. تصویری که ثبت شد، فرمی شبیه حلزون طلایی داشت؛ یک فرم ریاضی که بدون رسم مختصات، با ترکیب نور، رنگ و تکنیک عکاسی خلق شده بود.

نگاه بین‌رشته‌ای؛ پیوند الگوریتم و عکس

در دانشگاه، حتی در درس

الگوریتم‌ها، پروژه‌هایم را به عکاسی پیوند می‌دم؛ مثلاً درباره الگوریتم‌های فشرده‌سازی تصویر کار کردم. همیشه سعی کردم یک کار بین‌رشته‌ای انجام دهم. هم‌زمان، آخر هفته‌ها در کلاس‌های آزاد عکاسی تهران، در دفتر زنده‌یاد عباس کیارستمی شرکت می‌کردم. آن فضا نگاه مرا عمیق‌تر و شخصی‌تر کرد.

مهاجرت یا ماندن؛ انتخابی

سرنوشت‌ساز

پس از پایان کارشناسی، تصمیم داشتم برای ادامه تحصیل به آلمان بروم و از یکی از دانشگاه‌ها در رشته عکاسی پذیرش گرفتم؛ مشروط بر اینکه زبان آلمانی بخوانم؛ اما سال ۱۴۰۲ در کنکور کارشناسی‌ارشد عکاسی شرکت کردم و رتبه اول شدم. در آزمون عملی نیز نمره صد از صد گرفتم. انتخاب کردم در ایران بمانم و در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران ادامه تحصیل بدهم.

روز دفاعم، ساعت ۹:۲۰ صبح نهم اسفند بود؛ دقیقاً هم‌زمان با آغاز جنگ رمضان. دفاع به تعویق افتاد و دو هفته بعد به صورت مجازی برگزار شد. با نمره خوبی فارغ‌التحصیل شدم و اکنون در مسیر ورود به مقطع دکتری هستم.

امروز: تدریس و تجربه

در حال حاضر مدرس دانشگاه هستم و در تهران، اصفهان، قزوین و کرمان به صورت حضوری و مجازی تدریس می‌کنم. در جشنواره‌های مختلف عکاسی داوری کرده‌ام و سوابق اجرایی مختلفی داشته‌ام. از سوابق اجرایی‌ام می‌توانم به دبیر اجرایی هشتمین سالانه عکس دانشگاه تهران در سال ۱۴۰۳، عضو هیئت‌مدیره انجمن عکاسی میراث‌فرهنگی در سال ۱۴۰۲، سرپرست هیئت‌مدیره کانون عکس انجمن سینمای جوانان خمینی‌شهر در سال ۱۳۹۷ و دبیر اجرایی چندین نمایشگاه و جشنواره عکس در اصفهان اشاره کنم.

به یادماندنی‌ترین عکس؛ شب برفی

اصفهان

از او می‌خواهم از به‌یادماندنی‌ترین عکسی که تا کنون گرفته است بگوید. او به عکسی در شبی برفی اشاره می‌کند و می‌گوید: این عکس را در جزیره و کنار کتابخانه دانشگاه اصفهان، در یک شب برفی گرفتم. هوا آن قدر سرد بود که انگشتانم توان فشاردادن دکمه شاتر را نداشت. با مچ دستم شاتر را فشردم. بعد از گذشت چند سال، هنوز آن را یکی از خاص‌ترین عکس‌هایم می‌دانم؛ نوری که در فضا پخش شده بود، امتداد برجسته بارش برف و حال‌وهوای صحنه، ترکیبی ساخت که شاید دیگر نتوانم تکرارش کنم. بعضی عکس‌ها فقط یک بار در زندگی اتفاق می‌افتند.

کسب ۱۷ رتبه و جایزه ملی و بین‌المللی

این هنرمند عکاس توانسته است تا به حال جوایز و افتخارات زیادی کسب کند. او درباره این افتخارات می‌گوید: تا به حال در ۱۷ رویداد و جشنواره بین‌المللی و داخلی موفق به دریافت جایزه شده‌ام؛ از جمله این جوایز کسب رتبه اول در اولین و دومین فستیوال هنر مهر و ماه دبی در بخش عکاسی در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، عکاس مستند سال ایران در سومین نشان عکس سال مطبوعاتی ایران در سال ۱۳۹۷، عکاس مستند خیابانی سال لندن در جایزه عکس مونوپوین اواردرز در سال ۲۰۱۹، انتخاب به‌عنوان بهترین شرکت‌کننده خاورمیانه در نهمین جشنواره بین‌المللی عکس خیام، انتخاب عکاس سال در بخش عکاسی خیابانی پنجمین سالانه عکس Award ۳۵ روسیه در سال ۱۳۹۹ و عکاسی موبایلی سال در سالانه عکس ثردی فایو اواردرز روسیه در سال ۲۰۱۹ بوده است.

تعهد به شهر؛ ثبت میراث آسیب‌دیده

نجات بخش در ادامه به ثبت حدود ۲۰۰ عکس از آسیب‌هایی که در جنگ رمضان به دولت‌خانه صفوی اصفهان وارد شده است اشاره می‌کند و می‌گوید: امیدوارم بتوانم با این مجموعه، دینم را به شهرم ادا کنم.

امیدوارم در اصفهان نمایشگاه‌های عکاسی بیشتری برگزار شود. همیشه شنیده‌ایم که اصفهان خاکش هنر خیز است؛ اما اگر بیستر رویدادها و نمایشگاه‌ها گسترده‌تر شود، تأثیر عمیقی در انتقال هنر خواهد داشت.





مریم نقیان

پایگاهی که شهدا نامش را ساختند

گزارشی از پایگاه بسیج شهدای آزادان؛ محله‌ای که تاریخ در کوچه‌هایش جاری است



در دل محله آزادان اصفهان، در خیابان آتشگاه، جایی که بوی تاریخ با نفس روزمره مردم درهم می‌آمیزد، پایگاهی ایستاده که نامش را خون شهدا ساخته است. پایگاه بسیج شهدای آزادان نه فقط یک ساختمان، که حافظه زنده یک محله است؛ محله‌ای که از همان روزهای اول انقلاب تا امروز، در هر میدانی حاضر بوده است. داوود نصر اصفهانی، فرمانده این پایگاه، مردی است که با آرامش حرف می‌زند؛ اما پشت هر جمله‌اش سال‌ها تجربه و دل‌بستگی موج می‌زند. نشستن با او و شنیدن روایتش از این پایگاه، مثل ورق زدن آلبوم عکسی است که هر صفحه‌اش یک دوره از تاریخ این سرزمین را در خود دارد.

راز کمیته تابسیج؛ ریشه‌هایی که عمیق‌اند

پایگاه بسیج شهدای آزادان پیش از آنکه رسمیت بیابد، وجود داشت. از همان روزهای پرشور انقلاب، مردم محله در قالب کمیته‌ها و تشکل‌های مردمی دور هم جمع شده بودند. اما نقطه عطف، پنجم آذر ۱۳۵۸ بود؛ روزی که فرمان تاریخی امام خمینی (ره) برای تشکیل بسیج بیست میلیون صادر شد. از آن روز، این جمع مردمی رسمیت یافت و پایگاه بسیج شهدای آزادان متولد شد؛ تولدی که مصادف بود با آغاز جنگ تحمیلی. محله آزادان از همان ابتدا فرزندان را روانه جبهه کرد. ۳۶ شهید، تعداد زیادی جانباز و آزاده و برخی مفقودالامر که هنوز خبری از آن‌ها نیست. این است بهایی که این محله کوچک برای دفاع از وطن پرداخته است؛ به همین دلیل بود که نام پایگاه را «شهدای آزادان» گذاشتند؛ نامی که هر بار بر زبان می‌آید، یادآور قربانی‌هایی است که فراموش نخواهند شد.

دو نسل، یک هدف

یکی از ویژگی‌های برجسته این پایگاه، هم‌زیستی دو نسل در کنار یکدیگر است. پیش‌کسوتانی که دوران جنگ را با پوست و استخوان لمس کرده‌اند، امروز در شوراها مشورتی و هیئت‌های اندیشه‌ورز در کنار جوانان و نوجوانان نشسته‌اند. آن‌ها در مساجد و در هیئت‌امنا حضور دارند و تجربه‌هایشان را به نسل بعد منتقل می‌کنند. نسل دوم، نوجوانان و جوانانی هستند که محور

چالش‌هایی که صادقانه بیان می‌شوند
نصر اصفهانی از چالش‌ها هم صادقانه حرف می‌زند. جذب نوجوانان و جوانان به پایگاه، مسجد و برنامه‌های فرهنگی، مهم‌ترین دغدغه اوست؛ اما با همان صداقت می‌گوید که برنامه‌های خوبی برای رفع این چالش طراحی شده است. چالش دوم، هزینه‌های سنگین برنامه‌های فرهنگی است. کیفیت برنامه‌ها به طور مستقیم به تأمین منابع مالی وابسته است و این واقعیتی است که بسیاری از پایگاه‌های مشابه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

پایگاهی که ریشه دارد

پایگاه بسیج شهدای آزادان نمونه‌ای است از آنچه یک نهاد مردمی می‌تواند باشد؛ ریشه در تاریخ، حضور در لحظه‌های سخت و نگاه به آینده از طریق نسل جوان. از ۳۶ شهیدی که نامشان بر این پایگاه نشسته تا کودک سه‌ساله‌ای که از زیر آوار زنده بیرون آمد، این پایگاه روایت مردمی است که در هر شرایطی کنارهم ایستاده‌اند. محله آزادان شاید در نقشه شهر اصفهان نقطه‌ای کوچک باشد؛ اما در تاریخ این سرزمین، جایگاهی بزرگ دارد و این پایگاه، نگهبان این جایگاه است.

شهید مهدی نصر از اعضای قدیمی پایگاه بود؛ مربی کلاس‌های تربیتی که در پایگاه برگزار می‌شد. مادرش، پری جان‌نثاری، فرمانده پیشین پایگاه بسیج خواهران محله آزادان بود؛ زنی که به نیازمندان محله توجه ویژه داشت و برنامه‌های مذهبی بسیاری برگزار کرده بود. شهید جان‌نثاری امانت‌دار محله بود و همین بود که در آن شب سخت، حراست از اموال خانواده نیز بر عهده بچه‌های پایگاه گذاشته شد.

برنامه‌هایی که محله را زنده نگه می‌دارند

در طول سال، پایگاه بسیج شهدای آزادان میزبان طیف گسترده‌ای از برنامه‌های فرهنگی و مذهبی است. فاطمیه، محرم، عید غدیر، دهه فجر و ده‌ها مناسبت دیگر، همه با محوریت جوانان و نوجوانان محله برگزار می‌شود. اما شاید درخشان‌ترین وجه این پایگاه، برنامه‌های ورزشی و رزمی آن باشد؛ حوزه‌ای که پایگاه در آن به رتبه‌های کشوری دست‌یافته است. این دستاورد نشان می‌دهد که وقتی برنامه‌ریزی درست و انگیزه وجود داشته باشد، حتی یک پایگاه محلی می‌تواند در سطح ملی بدرخشد.

اصلی برنامه‌های پایگاه برای آن‌ها طراحی می‌شود. نصر اصفهانی با رضایت می‌گوید که جوانان محله ارتباط خوبی با پایگاه دارند و محوریت اجرای برنامه‌ها با خود آن‌هاست. این نکته کوچکی نیست. در روزگاری که جذب جوانان به فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی یکی از دشوارترین چالش‌هاست، این پایگاه توانسته پلی میان نسل‌ها بسازد. پس از آغاز جنگ رمضان، پایگاه بسیج شهدای آزادان بی‌درنگ وارد میدان شد. فضا سازی محله، برنامه‌های عزاداری، راه‌اندازی موبک‌ها در کنار پایگاه‌های هم‌جوار، فعالیت در حوزه تجمعات، امنیت، فضای مجازی و تولید محتوا، همه‌وهمه باهمت اهالی محله شکل گرفت.

اما سنگین‌ترین لحظه آن روزها، ساعت ۱:۲۰ بامداد عید فطر بود. اصابت موشک به خانه شهید مهدی نصر، یکی از اهالی همین محله، همه چیز را در یک لحظه تغییر داد. اکثر بچه‌های پایگاه خود را به محل رساندند. از پیش‌کسوتان و دوستان قدیمی جبهه هم کمک گرفتند. ساختمان در وضعیت بدی بود؛ اما آواربرداری با سرعت آغاز شد. در میان آوار، فرزند سه‌ساله خانواده، آخرین بازمانده، زنده پیدا شد؛ لحظه‌ای که نصر اصفهانی آن را با صدایی آرام، اما پر از احساس روایت می‌کند.

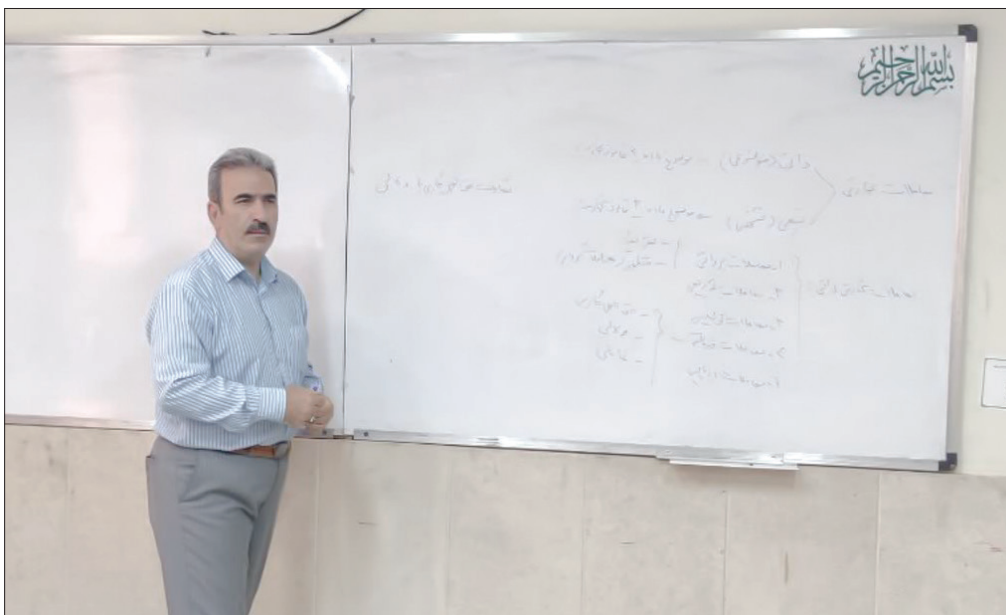




اکرم کیانی

کمبردهای محله ما زیاد است

گفت و گو با مجتبی نصر، استاد دانشگاه اهل آزادان



مجتبی نصر متولد ۱۳۴۹ فارغ التحصیل مقطع دکتری رشته حقوق و استاد دانشگاه از اهالی محله آزادان، نزدیک ۲۰ سالگی می شود که در دانشگاه های متفاوت به تدریس درس در رشته حقوق مشغول شده و در طول این سال ها مقاله ها و کتاب هایی هم در این حوزه تألیف کرده است.

تألیف سه کتاب و چند مقاله در حوزه حقوق

نصر درباره علاقه اش برای تحصیل در رشته حقوق و موفقیت های علمی اش به «هم محله» می گوید: «بنده علوم انسانی خوانده ام. وقتی که کنکور شرکت کردم رشته مورد علاقه ام حقوق بود که مورد پسند جامعه هم قرار داشت و در طی سال ها تدریس در دانشگاه ها، سه کتاب را در حوزه حقوق تألیف کرده ام که شامل این عناوین است:

۱- مفهوم و آثار مالکیت دعوا در حقوق ایران؛

۲- کتاب بایسته ها و نوآوری های قانون مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری؛

۳- کتاب آثار حقوقی دامپینگ در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی»

او ادامه می دهد: «علاوه بر کتاب ها مقالاتی را هم در حوزه حقوق به چاپ رسانیده ام.» این استاد دانشگاه حوزه حقوق تصریح می کند: «جوانان برای تحصیل و موفقیت در رشته حقوق باید بدانند که رشته شاخص و سر تیر همه رشته های علوم انسانی برای ادامه تحصیل رشته حقوق است و اولویت های بعدی این گروه، علوم سیاسی، الهیات، روان شناسی، حسابداری و... است؛ البته این نکته را هم بگویم که تحصیل در هر رشته ای وابسته به علاقه فرد است و چه بسا عده ای دوست دارند در رشته روان شناسی یا علوم سیاسی تحصیل کنند؛ اما در کل حقوق از رشته های مهم تر برای تحصیل دانشجویان در رشته های علوم انسانی محسوب می شود.»

لزوم توانایی های یک وکیل دادگستری برای موفقیت

نصر تأکید می کند: «به طور مثال ۵۰ درصد موفقیت یک وکیل دادگستری وابسته به نوع صحبت کردن او در این حرفه است. به موقع صحبت کردن، مستدل سخن گفتن، مستند به بیان اظهارات و دفاعیات پرداختن، در جهت احقاق حق وکالت نمودن، در عین رعایت حقوق موکل خود اصل عدل و انصاف را رعایت کردن و... در این شغل برای موفقیت او ضرورت دارد.»

در مباحث حقوقی بایستی بین خود و همکاران به صورت منتقدانه و قاطع و بدون ملاحظات و بدون اجازه دادن به

دخالت موارد احساسی اقدام به اظهار نظر کند تا باعث خروجی بهینه و جمع بندی جامع و کاملی از بحث مورد چالش شود.» این استاد دانشگاه حوزه حقوق درباره نحوه صحبتش در کلاس درس برای تفهیم مسائل حقوقی به دانشجویان می گوید: «هر استاد حقوق با لحن کلام و صحبتی که در دانشگاه انجام می دهد باید مبتنی بر ادله و مستندات قانونی باشد و این مورد یک بحث عمومی برای همه استادان دانشگاه در رشته حقوق است. برای ادله آوردن و تفهیم مفاهیم حقوقی به دانشجویان سر کلاس درس، بنده هنگام تدریس به دانشجویان مانند بسیاری از استادان دانشگاه، کلاس هایم اگرچه در ظاهر به صورت نظری، تئوری و کلاسیک نشان داده می شود؛ اما حتی المقدور سعی می کنم کلاس درس را در قالب عملی درآورده و دانشجویان را در جایگاه های متفاوتی قرار دهم تا به شکل عملی مفاهیم حقوق را به آن ها تفهیم کنم. در واقع با کارگاهی کردن کلاس درس، حق مطلب و یادگیری مباحث درسی را راحت تر بیان می دارم.»

او در خصوص نحوه تعامل با دانشجویان در جنگ رمضان اظهار می کند: «در ابتدا بایستی به برادران و خواهرانم عرض کنم که این روزها زیاد می شنویم از تنش ها و حرف هایی درباره احتمال درگیری بین ایران، آمریکا و رژیم اسرائیل که در رسانه ها از آن با عنوان «جنگ رمضان» یاد می کنند. طبیعی است که چنین خبرهایی مردم را نگران کند؛ اما بیا بید با آرامش به موضوع نگاه کنیم. سال هاست که قدرت های بزرگ می خواهند آینده خاورمیانه را خودشان تعیین کنند؛ اما ملت همیشه بیدار ایران همواره گفته است مردم این منطقه خودشان باید سرنوشتشان را بسازند.»

مشکلات و کمبودهای محله و لزوم توجه بیشتر شهرداری منطقه

نصر درباره مشکلات و کمبودهای این محله و لزوم توجه بیشتر بخش معاونت محترم خدمات شهری شهرداری منطقه برای کاهش کاستی ها نیز تصریح می کند: «این محله به خصوص در گذرهای عمومی و بن بست ها نیاز به رفت و رووب منظم دارد و جای تأسف دارد که این موضوع نسبت به سایر مناطق کمتر مورد توجه خدمات شهری این منطقه بوده. بسیاری از گذرهای عمومی و اختصاصی را در محله داریم که رفت و رووب آن ها به شکل روتین و منظم انجام نمی شود و در نتیجه این اتفاق می افتد که وقتی از محله عبور می کنیم، به وضوح می بینیم که برخی از شهروندان با شلنگ آب در حال نظافت کوچه ها و گذرها هستند و این حرکت شهروندان نه اینکه مزیتی به دنبال ندارد؛ بلکه مضرات آن هم بی نهایت است و در واقع آب تصفیه شده و شهری زیادی را با این کار هدر می دهند.» او عنوان می کند: «بخش عمده جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز و غیرقانونی از زحمات و پیگیری های معاونت خدمات شهری بوده که این نوع اقدام ها و زحمات شبانه روزی معاونت خدمات شهری شهرداری جای تقدیر و تشکر دارد. اما بحث نظافت منظم گذرهای منطقه هم موضوع بسیار مهمی بوده و جای تأمل و نظارت بیشتری را می طلبد؛ یعنی در بخش نظافت شهری تا حدودی ضعف هایی دیده می شود و نباید این ضعف ها نادیده گرفته شود.»

این حقوقدان تصریح می کند: «موقع غروب و تاریکی هم در محله تا حدودی به دلیل نورپردازی امنیت محله رو به ضعف است و خانم ها نمی توانند استفاده

بهینه داشته و قدم بزنند. نورپردازی این خیابان تا اندازه ای ضعیف است و علت این است که با وجود اینکه زحمت و هزینه مضاعف شده؛ اما شرایط مطلوب و ایدئال را برای شهروندان منطقه به دنبال ندارد.»

او مطالب دیگری را به عنوان یک شهروند و به قصد همکاری در ارائه پیشنهاد مطرح کرده و می افزاید: «با ملحوظ نظر قراردادن اینکه برخی اماکن، قدیمی و توسط مالکان آن ها رها شده اند که هم جلوه نامطلوبی به معابر و کوچه ها داده و هم از جمله مواردی است که می تواند موجب خطر جانی و خسارات هنگفت برای اشخاص در محله و شهرداری باشد؛ لذا باتوجه به صراحت قانون شهرداری ها و تجویز قانون گذار در واگذاری اختیارات لازم در رفع این گونه اماکن، توسط شهرداری پیشنهاد می شود با صدور دستوری به واحد ذی ربط، خاصه واحد محترم خدمات شهری، این گونه ساختمان ها شناسایی و شهرداری به وظایف قانونی خود عمل کند.»

این استاد دانشگاه به حوادث رانندگی و مشکلات ترافیکی منطقه که مشکلاتی را برای اهالی به وجود آورده است اشاره می کند و می گوید: «از جمله موارد دیگری که محل تأمل است، طراحی و اجرای تقاطع های خیابان بهشت است که به کرات باعث بروز حوادث ناگوار و تصادفات وسایل نقلیه موتوری شده و جا دارد به جهت حفظ حقوق شهروندی اهالی پرجمعیت منطقه و تردد فراوان خودروهای سواری و باری سبک و سنگین، تمهیدات لازم در جهت اصلاح تقاطع ها، با بهره مندی از طرح های مهندسی مورد تأیید طرح ترافیک و راهنمایی و رانندگی لحاظ شود تا حوادثی که منشأ آن ها موارد از پیش گفته است، تکرار نشود.»



زهره قندهاری

آغاز بازسازی خرابی‌های جنگ

مدیر منطقه ۹ شهرداری اصفهان از اقدام‌های انجام‌شده در این منطقه و محله می‌گوید



شهرداری منطقه ۹ با مساحت ۲۳ کیلومترمربع، از شمال به خیابان شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی، از جنوب به نازوان-حاشیه زاینده‌رود، از شرق به بزرگراه شهید خرازی و از غرب به خیابان آتشگاه-کوچه چهارده معصوم(ع)- محله جروکان تا شهید غفاری و خیابان اشرفی اصفهانی محدود می‌شود. در دوره ششم مدیریت شهری اقدام‌هایی در این منطقه انجام شده است که محسن زمانی، مدیر منطقه ۹ شهرداری اصفهان مهم‌ترین آن‌ها را روایت می‌کند.

ارزیابی ۳۹ ملک آسیب‌دیده جنگ رمضان در این منطقه

روند ارزیابی و تعیین میزان خسارت واحدهای جنگ رمضان به‌طور کامل انجام شده و تعمیرات آن‌ها در حال اجرا است. در پی رخدادهای اخیر ۳۹ ملک، که بیشتر کاربری مسکونی دارند، دچار آسیب شده‌اند. تیم‌های تخصصی شهرداری پس از وقوع حادثه به سرعت در محل حاضر شدند و با انجام بررسی‌های میدانی، برآورد دقیق خسارت برای هر ملک را ثبت و پرونده فنی آن را کامل کردند. براساس نتایج این ارزیابی‌ها، برنامه تعمیراتی و اقدام‌های ایمن‌سازی تدوین شده و اجرای آن در دستور کار قرار گرفته است. عملیات تعمیرات در بخشی از این واحدها به پایان رسیده است و در برخی دیگر ادامه دارد. تلاش مجموعه منطقه بر این است که این فرایندها با بیشترین سرعت و دقت ادامه پیدا کند تا شهروندان بتوانند بدون دغدغه به زندگی عادی بازگردند. در حال حاضر کارشناسان عمران جهت ارزیابی خسارات به واحدهای مسکونی سطح منطقه در قالب تیم‌های ارزیابی و آغاز سفارش ساخت و تعمیر در و پنجره‌های منازل در سطح منطقه با همکاری خیریه‌ها و اهالی، گروه‌های جهادی فعال هستند و با حضور میدانی در محل‌های آسیب‌دیده، به بازدید از منازل و واحدها آسیب‌دیده و برآورد دقیق میزان خسارت‌های وارده می‌پردازند. مجموعه شهرداری منطقه ۹ با تمام توان پای کار است و تلاش می‌کنیم با هم‌افزایی و هماهنگی کامل، فرایند بازسازی واحدهای آسیب‌دیده را با حداقل زمان ممکن به سرانجام برسانیم.

برپایی ۱۵ موبک فعال مردمی در منطقه

در مجموع ۱۵ موبک فعال در سطح منطقه ۹ شهرداری اصفهان برپا شده است که هر کدام با مشارکت نیروهای مردمی، جهادی مساجد، هیئت‌های مذهبی، دانش‌آموزان و مجموعه‌های فرهنگی اداره می‌شود و تلاش شده است برنامه‌های متنوعی برای گروه‌های مختلف سنی در آن‌ها پیش‌بینی شود. در این موبک‌ها برنامه‌های فرهنگی با محتوای فرهنگی روشنگری برگزار می‌شود. در برخی موبک‌ها برای گروه سنی کودکان و نوجوانان غرفه نقاشی و انواع بازی و روایتگری نقشه‌های دشمن برای نسل آینده بیان می‌شود.

در این موبک علاوه بر بخش پذیرایی، مشاوره و پشتیبانی نیز فعال است که مدیریت آن توسط بانوان انجام می‌شود و هر شب نیز برنامه‌های صحنه‌ای شامل سخنرانی، مداحی و برنامه‌های تیبینی برگزار می‌شود. موبک میدان جهاد با

انجام شد. شناسایی املاک در مسیر کندروی خیابان آتشگاه از دیگر اقدام‌ها و برنامه‌های آتی این منطقه به‌شمار می‌رود که هنوز بخشی از آن آزادسازی نشده و پرداخت غرامت به‌صورت امتیازی باقی مانده است.

تحقق و جذب بیش از ۹۸ درصد بودجه سال گذشته

بودجه مصوب سال گذشته این منطقه معادل ۵۹۵ میلیارد تومان بوده که تاکنون حدود ۵۸۷ میلیارد تومان آن معادل بیش از ۹۸ درصد بودجه در شرایط سخت اقتصادی محقق شده است. مبلغ بودجه مصوب منطقه ۹ شهرداری اصفهان برای سال ۱۴۰۴ برابر با ۵۹۵ میلیارد تومان بود که تاکنون بیش از ۹۸ درصد بودجه برابر با حدود ۵۸۷ میلیارد تومان در شرایط سخت اقتصادی تحقق پیدا کرده است. در اصلاح بودجه پایان سال ۱۴۰۴، بودجه این منطقه به مبلغ ۶۴۲ میلیارد تومان افزایش یافت. اگر این اعداد را با هم مقایسه کنیم، عملکرد این منطقه نسبت به بودجه مصوب بیش از ۹۸ درصد و نسبت به اصلاح بودجه بیش از ۹۱ درصد بوده است. بودجه اصلاحی پس از تصویب شورای اسلامی شهر به‌عنوان بودجه رسمی منطقه در نظر گرفته می‌شود. بودجه مصوب ۱۴۰۵ معادل ۸۹۰ میلیارد

حضور خادمین رضوی حال و هوای ویژه دارد که در قالب حماسه و ایثار و شهادت نمایش نقالی با موضوع از خودگذشتگی و جان‌فدایی برای ایران از ابتدای جنگ تحمیلی برگزار می‌کند تا شهروندان بتوانند از خدمات مختلف بهره‌مند شوند. موبک‌ها در چهارراه‌ها و میدان‌ها برپا شده است و اهالی محل نیز در قالب یک حرکت مردمی ملحق می‌شوند. در برخی موبک‌ها هر شب برنامه‌های صحنه‌ای، سخنرانی و برنامه‌های تیبینی با حضور سخنرانان و مداحان برگزار می‌شود و مورد استقبال شهروندان قرار گرفته است.

این موبک‌ها از روزهای ابتدایی حضور مردم در میدان‌ها و خیابان‌ها برای اعلام انزجار از رژیم صهیونیستی و آمریکا و تجدید بیعت با رهبر معظم انقلاب اسلامی برپا شد و همچنان با حضور گسترده مردم فعالیت می‌کند.

شناسایی و آزادسازی گلوگاه‌های خیابان آتشگاه، محله منارجنبان

در راستای ارتقای کیفیت زندگی در محله‌های شهر، شناسایی و آزادسازی گلوگاه‌های محله‌های منطقه در دستور کار قرار گرفته است که در این راستا تملک و تخریب یک باب منزل مسکونی گلوگاهی در خیابان آتشگاه، محله منارجنبان با هزینه‌ای بیش از ۲۵ میلیارد ریال



تومان است که نسبت به بودجه اصلاح شده سال ۱۴۰۴ که ۶۴۲ میلیارد تومان بود، رشد ۳۹ درصدی را نشان می‌دهد.

اجرای ویژه برنامه‌های دهه کرامت در منطقه

ویژه برنامه‌های متعدد با هدف نشاط و پویایی میان دختران، ترویج و نهادینه‌کردن سیره اهل بیت(ع) و تأثیر آموزه‌های رضوی بر اصلاح سبک زندگی، ایجاد زمینه برای گسترش مشارکت اجتماعی دختران و صیانت از خانواده در دهه کرامت برگزار شد. جشنی به مناسبت روز دختر با عنوان «لبخند خدا»، همراه با برنامه‌های شاد، مسابقات تفریحی، ورزشی و فرهنگی در مجتمع فرهنگی و اجتماعی امام‌زاده ابراهیم(ع) اجرا شد؛ همچنین به مناسبت ولادت حضرت معصومه(س) جشنی با عنوان «دختران ایران» در موبک‌های مقابل شهرداری، محله‌های بهارنچی، گورتان و منارجنبان با حضور دختران محله‌ها برگزار شد. به مناسبت ولادت امام رضا(ع) نیز جشن‌های بزرگی با عنوان «امام رئوف» از اول دهه کرامت در فرهنگ‌سرای موعود و موبک‌های سطح منطقه ویژه عموم مردم برگزار شد.

این جشن‌ها با مشارکت کانون خادم‌بیاران حرم رضوی در مراکز فرهنگی و مساجد اجرا شده است. هدف از برگزاری این ویژه برنامه‌ها ایجاد نشاط و پویایی میان دختران، ترویج و نهادینه‌کردن سیره امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)، تأثیر آموزه‌های رضوی بر اصلاح سبک زندگی، ایجاد زمینه برای گسترش مشارکت اجتماعی دختران، صیانت از خانواده و ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی است. در راستای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی منطقه، سه کارگروه تخصصی کودک، نوجوان و بانوان با مسئولیت مدیران مراکز فرهنگی به منظور شناسایی ظرفیت‌ها و رفع نیازهای فرهنگی منطقه تشکیل شد.



خسارت به بیش از یک هکتار از محله

پاسخ‌های محسن زمانی، مدیر منطقه ۹ شهرداری اصفهان، به مطالبات ساکنان آزادان



محله آزادان در استان اصفهان و در محدوده غربی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شرق با بلوار قدس و خیابان دوازده امامی و از جنوب با بلوار آتشگاه محدود شده است و با محله‌های نصرآباد، لادان، کارلادان، گورتان و گلستان مجاورت دارد. مساحت محله آزادان یک میلیون و ۴۰۸ هزار و ۹۶۰ مترمربع، جمعیت آن شش هزار و ۴۰ نفر و تراکم در هر هکتار ۴۶ نفر است. در جنوب و شمال محله دو لکه بافت فرسوده وجود دارد؛ اماکن فرهنگی این محله شامل خانه فرهنگ آزادان، مقبره شیخ شهاب‌الدین و لواخانه آزادان است. در این محله معضلاتی وجود دارد که ساکنان روایت کرده‌اند و محسن زمانی، مدیر منطقه ۹ شهرداری اصفهان به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

بوستان آزادان سرویس بهداشتی ندارد و ساکنان از این مسئله گلایه دارند. آیا قرار است در این خصوص اقدامی انجام شود؟

با توجه به اینکه بوستان آزادان یک بوستان محلی است و وسعت کم و پوشش گیاهی متراکمی دارد، امکان جانمایی فضای لازم برای سرویس بهداشتی در این محدوده مقدور نیست؛ بنابراین در صورت نیاز می‌توان با هماهنگی متولی مسجدالنبی (ع) از سرویس بهداشتی آن به صورت مشارکتی استفاده کرد.

برخی از ساکنان گلایه دارند که نظافت محله به خوبی انجام نمی‌شود. در این خصوص پاسخ شما چیست؟

محله آزادان شامل کوچه چهار، شش و ۱۴ قدس و کوچه‌های ۱۳ و ۱۵ بهشت، کوچه‌های بهار و نوبهار و اطراف مسجدالنبی (ع) و مسجدالحسین (ع) می‌شود. محدوده نظافتی شامل حدود ۶۰ هزار مترمربع آسفالت و زمین‌های بایر حاشیه معابر است که دو نفر کارگر نظافت آن را انجام می‌دهند و به صورت مستمر روزانه رفت‌ووروب و پاک‌سازی آن انجام و ضایعات حاصل و پسماند بدون نوبت بررسی و عملیات بازیگری آن اجرا می‌شود. شایان ذکر است با توجه به حساسیت محله، نظافت به صورت ویژه در این محدوده انجام شده و همچنان مداوم است؛ همچنین نظارت بیشتری به همت ناظران مسئولان خدمات شهری انجام می‌شود.

برخی از ساکنان می‌گویند زمین‌های بایر، محلی برای تخلیه زباله و نخاله شده و منبعی برای گردوخاک شده است. در این خصوص چه پاسخی دارید؟

در زمین‌های بایر به دلیل ورته‌ای بودن صرفاً فقط تسطیح انجام می‌شود؛ همچنین بافت فرسوده اکثراً در مسیر است و واحد املاک نسبت به بازگشایی آن اقدام می‌کند. ضمناً تعدادی از ساختمان‌های نیمه‌مخروبه نیز شناسایی و در حال تکمیل پرونده هستیم.

مدتی پیش یک درخت بر روی خودرو سقوط کرد. این معضل نشان می‌دهد که درخت‌های خشکیده در بوستان آزادان خطرآفرین است. برای حل این مسئله اقدامی در دستور کار دارید؟

با توجه به تغییر وضعیت آب و هوایی در اصفهان و گرم‌شدن جو، درختان با تنش گرما روبه‌رو شده‌اند؛ همچنین بر اثر خشک‌سالی‌های اخیر درختان ضعیف‌تر به تنش حساس‌تر بوده و منجر به خشک‌شدن آن‌ها می‌شود؛ ضمناً مجوز قطع درختان خشک بر عهده سازمان پارک‌هاست که متأسفانه چندین ماه است مجوز قطعی صادر نشده؛ ولی با پیگیری‌های

مکاتبات لازم درخصوص آن انجام و اقدام‌های مرتبط در این زمینه اجرا شده است.

چه میزان از مساحت و چه تعداد منزل و مرکز تجاری در جنگ رمضان در این محله آسیب دیده است؟

مساحت آسیب‌دیده محله حدود ۱۰۲۶ هکتار و شامل ۶۵ واحد منزل و یک باب واحد تجاری است. با توجه به وظیفه محول شده به شهرداری اصفهان برای بازسازی آسیب‌های جزئی شامل در، پنجره، شیشه، کناف، اقدام‌های بنایی و تأسیسات جزئی، تاکنون پس از تعمیر در و پنجره‌های آلومینیومی و کارهای بنایی، و بازسازی حدود ۸۱ درصد شیشه دوجداره و ۵۰ درصد شیشه تک‌داره توسط خیریه، گروه جهادی، شهرداری و خود اهالی انجام شده است.

چه کارهایی برای بازسازی منازل آسیب‌دیده در جنگ رمضان انجام شده و چه اقدام‌هایی در دستور کار است؟

بدیهی است منازل آسیب‌دیده، از طریق گروه‌های جهادی با حمایت شهرداری، آواربرداری شده و پس از بررسی، تجزیه و تخلیه به همت متخصصان بازسازی می‌شود.

مکرر واحد فضای سبز منطقه به صورت مستمر و گسترده خشک‌بری و رفع خطر درختان در منطقه آغاز شده است.

پنجشنبه بازار و مشکلات ترافیکی و آلودگی محیطی که در کنار بوستان ایجاد می‌شود باعث گلایه مردم شده است. آن‌ها انتظار دارند مکان مناسبی برای این رویداد در نظر گرفته شود. شهرداری در این خصوص وارد عمل شده است؟

برای سامان‌دهی پنجشنبه بازار نیز ابتدا ساکنان محلی نسبت به تهیه شکواییه کتبی و ارسال به شهرداری اقدام کنند تا پرونده در شهرداری تشکیل و برای اخذ دستور قضایی پیگیری شود.

گلوگاه‌های خطرناکی در سطح محله وجود دارد که تردد را دچار مشکل کرده است. برای بازگشایی این تنگ‌راه‌ها اقدامی در دستور کار دارید؟

واحد آزادسازی و املاک شهرداری منطقه ۹ برداشت‌ها، آزادسازی‌ها و بررسی‌ها را در این محدوده انجام داده و به ساکنان بخش‌هایی که برای تردد شهروندان معضل ایجاد کرده‌اند، اخطار داده است؛ همچنین برخی از این محدوده‌ها دارای کاربری کشاورزی است که





زهره سادات کاظمی

رونق در بازارچه آزادان



محلّه بساط می‌کنند که محل رفت‌وآمد است و مسیر باریک و پریچ‌وخمی هم دارد. وقتی خودرویی بخواهد عبور کند، با مشکل مواجه می‌شود. جمع‌شدن افراد کنار فروشنده‌ها و ازدحام، کمی رفت‌وآمد را سخت می‌کند و برای عابران هم خطرناک می‌شود. یکی از فروشنده‌ها که لهجه غلیظ خمینی‌شهری دارد و به گفته خودش بیش از ۲۰ سال بازارچه‌های مختلف را در محلّه‌های اصفهان تجربه کرده است، می‌گوید: «مردم همیشه به همین تعداد برای خرید می‌آیند. شهرداری مانع آن نیست و فقط می‌گوید توی راه نباشند و زباله نریزند. اگر رعایت نکنیم شهرداری اجازه کار نمی‌دهد.»

خانم دیگری که وسیله آشپزخانه خریده از وجود بازارچه ابراز خوشحالی می‌کند. او اهل محلّه نیست و از محلّه کنار برای خرید آمده است. برخی از خریداران از محلّه‌های اطراف برای خرید آمده‌اند و این نشان می‌دهد که بازارچه‌ها در اقتصاد محلّه‌ها و دسترسی مردم برای تهیه مایحتاج چقدر مهم هستند. بازارچه محلی آزادان مکانی است که فروشنده‌های خرد مایحتاج مردم را هر پنجشنبه به دست آن‌ها می‌رسانند. خیلی از فروشنده‌ها و بانوان کارآفرین به راحتی می‌توانند محصولاتشان را در این بازارچه به فروش برسانند و مشتری پیدا کنند. این بازارچه‌ها به راحتی می‌توانند اقتصاد مردم محلّه و محلّه‌های هم‌جوار را رونق ببخشند و با در دسترس قراردادن نیازها مردم و به خصوص زنان محلّه آزادان، کمک مؤثری به مردم داشته باشد.

که زانو زده و روی زمین نشسته است و جوجه‌رنگی می‌فروشد و از چند محلّه دورتر برای فروش آمده، می‌گوید: «جا باشد که فروشنده بساط کند و برای مردم مزاحمت درست نکند، کسی مانع کارش نمی‌شود. فروشنده‌ها هم رعایت می‌کنند که هر وقت کارشان تمام می‌شود، اشغال‌هایشان را جمع می‌کنند تا محلّه کثیف نشود.» زنی که کمی سبزی خوردن خریده و دارد بار فروشنده خواربار را بررسی می‌کند، نظرش درباره بازارچه چنین است: «بازارچه خوب است برای ما که توی محلّه هستیم و راه طولانی داریم با بازار. آخر هفته هر چه نیاز داشته باشیم می‌خریم. راضی هستیم.» خانم جوان دیگری که در حال عبور است نظر متفاوتی دارد و ادامه می‌دهد: «بازارچه بالاینکه برای بعضی‌ها خوب است؛ اما به نظرم باید جای مناسبی برایش درست کنند. شهرداری باید یک مکان مناسبی برایشان تهیه کند و نظم به آن‌ها بدهد. این‌طور که کنار خیابان بساط می‌کنند وجهه خوبی ندارد و رفت‌وآمد مردم را هم دچار مشکل می‌کنند. مسئله دیگر که بعضی فروشنده‌ها رعایت نمی‌کنند، این است که کارشان که تمام می‌شود زباله زیادی تولید می‌کنند و محلّه کثیف می‌شود.» فروشنده‌ها البته معتقدند که اگر تمیز نکنند شهرداری با آن‌ها برخورد می‌کند؛ ولی جایی که بازارچه شکل گرفته در مسیر رفت‌وآمد بود. فروشنده‌ها در کنار مادی و بوستان وسط

لباس و مایحتاج دیگر. از یکی از کاسب‌ها که بساطش را گوشه آسفالت و کنار جوی آبی که حالا خشک است پهن کرده، درباره سال تشکیل بازارچه می‌پرسم. می‌گوید: «خیلی سال است که بازارچه محلّه راه افتاده؛ شاید بیش از ده سال.» او از اولین فروشندگان بوده. سبزی و تره‌بار از نازوان می‌آورده و می‌فروخته و هنوز هم همین کار را می‌کند. مشتری‌هایش هم زیاد هستند و همه محصولاتش را تا ظهر می‌فروشد. او از بازارچه راضی است. اهالی محلّه همه می‌شناسند و می‌گویند، اگر دست‌فروش‌ها راه مردم را بند نیآورند و خیابان را کثیف نکنند، شهرداری مانع کارشان نمی‌شود. خانم‌های محلّه همین‌طور که مشغول ورنانداز بازارچه و اجناس فروشنده‌ها هستند و قیمت می‌پرسند، باهم احوال‌پرسی می‌کنند. بازارچه محلی برای دیدوبازدید مردم محلّه و همسایه‌ها هم هست. خانم‌ها گاهی چند نفره برای خرید به بازارچه می‌آیند و نظر همدیگر را برای خرید بهتر می‌پرسند. مردی که میز لباس‌فروشی دارد و سایه‌بان هم نصب کرده، می‌گوید: «مردم اگر پول داشته باشند خرید می‌کنند؛ وگرنه فقط نگاه می‌کنند و می‌روند.» او فروشنده محلی است؛ اما مابقی فروشنده‌ها از شهرهای مختلف مثل کوشک، خمینی‌شهر و درچه برای فروش محصولاتشان به محلّه می‌آیند. مردی

وقتی شنیدیم محلّه آزادان بازارچه محلی دارد و تصمیم گرفتیم برای گرفتن گزارش سری به آنجا بزنیم، فکرش را نمی‌کردیم این بازارچه این قدر پرشور و شلوغ باشد. پیچ کوچکی اصلی محلّه را که رد کردیم با دیدن پارک خودروها در سایه کنار دیوار و زنانی که پلاستیک‌های خرید توی دستشان بود، متوجه شدیم صبح پنجشنبه، زنان آزادان برنامه‌هایشان را برای خرید یک هفته از بازارچه هماهنگ کرده‌اند. ساعت نزدیک ۱۱ صبح بود و گرمای هوای کمی اذیت‌کننده؛ اما این گرما باعث نشده بود تا از شلوغی بازارچه کم شود. بازارچه شکل و شمایل خاصی ندارد، مکان مشخص و نظمی هم مثل بازارچه‌های تعریف‌شده ندارد. هر فروشنده‌ای یک گوشه خیابان را گرفته و بساطش را روی زمین یا روی میزهای کوچک پهن کرده است. داخل خیابان اصلی و در اطراف بوستان محلّه آزادان، همه‌جور فروشنده‌ای پیدا می‌شود. فروشنده‌ها به‌صورت پراکنده در گوشه و کنار هستند و تعدادشان به بیش از پنجاه نفر می‌رسد. همه چیز می‌شود توی بازارچه پیدا کرد و اکثر خریدارها زنان محلّه هستند که برای خرید، با فروشنده‌ها مشغول چانه‌زنی‌اند. از کنار هر فروشنده عبور می‌کنند با پرسیدن قیمت، وضعیت و شرایط خرید را با توان خریدشان تنظیم می‌کنند. ترجیح می‌دهند اولویت‌های منزل را در صدر خرید قرار دهند؛ خرید سبزی‌ها و لوازم موردنیاز منزل و بعد

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم زاده
مدیرعامل احسان تیموری سجانی
سرمدیر محمد حسین اعتزازیان
دبیررسانه‌های هم محلّه احمد مهره‌کش
دبیر ویژه‌نامه محسن حیدری فرد
عکس کوثر رحیمی

اصفهان زیبا
همراه



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید

مدیرفنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه‌نامه زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، اکرم کیانی، مریم نقیان، سارا حقیقی
ویراستار سارا حقیقی